

«آسیب‌های اجتماعی و ابعاد حقوقی ازدواج سفید»

دکتر عبدالنظام قاضی

دانش آموخته از دانشگاه امام حسین (ع)

(ایمیل: Nezam_ghazi@yahoo.com)

معصومه برکی تبار

کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی از دانشگاه ازاد اسلامی واحد کرمانشاه

(ایمیل: barakielahe3@gmail.com)

سمیه جوکار

وکیل دادگستری (شیراز-چهرم) کارشناس ارشد حقوق ثبت اسناد و املاک از دانشگاه قم

1

چکیده:

در طول تاریخ بشری و در جامعه و فرهنگ‌های مختلف، رابطه با جنس مخالف، اشکال و ابعاد متنوعی به خود گرفته است. یکی از انواع جدید و رو به گسترش آن که در سال‌های اخیر در کشورمان بخصوص در کلان‌شهرها شاهد آن هستیم، ازدواج سفید است. ازدواج سفید، برخلاف ظاهر زیبا و فریبنده‌اش، بیانگر رابطه نامشروع، غیرقانونی و هم‌خوابی دو جنس مخالف در یک مکان مشترک است؛ رابطه‌ای که خارج از تعهدات یک ازدواج بوده و طرفین صرفاً جهت ارضای نیاز جنسی، در مسکن مشترک سکنی می‌گزینند. ازدواج سفید، بسان بسیاری از پدیده‌های شوم، در دامن فرهنگ دین‌ستیز غرب، تولد یافت و به لطف تکنولوژی، ماهواره و شبکه‌های اجتماعی، رشدی قارچ‌گونه پیدا کرد و به سایر نقاط جهان سرایت نمود. جای بسی تأسف است که در سالیان اخیر نیز شاهد رواج و گسترش این پدیده شوم در کشور هستیم. پرواضح است که هدف از رواج و گسترش این نوع ازدواج، حرمت زدایی از جامعه، دور کردن افراد جامعه، از سبک زندگی اسلامی - ایرانی و عادی جلوه‌دادن ارتباط نامشروع که به‌طورقطع، مخالف با فرهنگ دینی و هویت ایرانی است، است و به تعبیر مقام معظم رهبری، نوک پیکان جنگ نرم دشمن به‌سوی فروپاشی خانواده‌های ایرانی است؛ لذا همین امر اهمیت مسئله حاضر را دوچندان می‌کند. چرا که این ازدواج آسیب‌های حقوقی، اجتماعی و روانی زیادی از جمله کم‌شدن حس مسئولیت، کم‌شدن اعتماد زوجین به یکدیگر، افزایش سقط‌جنین نامشروع، عدم تعلق حقوق مالی به زن، خانواده و به‌خصوص برای قشر زنان ایجاد می‌کند. این ازدواج آسیب‌های اجتماعی و روانی حادی برای جامعه، طرفین و خانواده آنان ایجاد می‌کند و مهم‌ترین آسیب‌های این آسیب اجتماعی عبارت‌اند از: کاهش حس مسئولیت، تحمیل هزینه اضافی بر جامعه برای پرورش فرزندان این ارتباط، کم‌شدن اعتماد زوجین به یکدیگر، زیاد شدن احتمال طلاق، کم‌شدن شادی و نشاط زوجین به‌خصوص زنان، کاهش فرزندآوری، کاهش شانس مادر شدن دختران اشاره نمود. نوشتار حاضر سعی دارد با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و با ارجاع به منابع کتابخانه‌ای و مشاهدات عینی، این پدیده را تا حد امکان، از ابعاد مختلف مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

کلیدواژه‌گان: آسیب‌های اجتماعی، ازدواج سفید، روابط نامشروع، مجازات



طرح مسئله

ازدواج پدیده‌ای است که از دیرباز و از زمان پیدایش انسان بوده و تا امروز نیز ادامه داشته است و تحت تأثیر تحولات جوامع دچار تغییر شده است؛ از یک طرف دیگر تمایلی برای ازدواج وجود ندارد و سن ازدواج در حال افزایش است و از طرف دیگر انواع و اقسام ازدواج‌ها مثل «ازدواج موقت»، «ازدواج صوری»، «ازدواج صیغه‌ای» و ... به وجود آمده است و از طرفی میزان طلاق هم چه به صورت رسمی چه عاطفی افزایش پیدا کرده است. آن چه که به عنوان ازدواج سفید نام گرفته هر چند در دنیا پدیده‌ی جدیدی نیست، اما در ایران یک شوک فرهنگی به حساب می‌آید. (خلج آبادی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲). ازدواج سفید در نهادهای دولتی مربوطه یا سازمان‌های دینی ثبت نمی‌شود. در این نوع ازدواج، زن و مرد با هم زندگی می‌کنند و کارهای مربوط به خانواده بر دوش هر دو نفر است؛ ولی از لحاظ قانونی زن و شوهر محسوب نمی‌شوند و این یعنی نهایت آسیب به خود فرد بعد از پایان این رابطه. در همه دوره‌های تاریخی، بشر با موضوع مهمی در روابط زن و مرد مواجه بوده است. روابطی متأثر از غریزه جنسی و چارچوبی مبهم در برقراری رابطه جنسی که زمینه‌ساز معضلات و مشکلات مختلفی برای اشخاص و جامعه بوده است. در خصوص چگونگی پاسخگویی به غریزه جنسی انسان‌ها دیدگاه‌های مختلفی از جانب صاحب‌نظران، اندیشمندان و دیگر بزرگان دینی و فرهنگی ایراد شده است که در مقابل، انتقاداتی به هر یک از این دیدگاه‌ها وارد است. (افراشته و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۲).

2

اساساً موضوع رابطه جنسی و همچنین پاسخگویی به نیاز جنسی موضوعی خیلی حساس و پراهمیت تلقی می‌شود. در نظام‌های فکری کشورهای گوناگون، آن دسته از روابط جنسی بین زن و مرد که بدون رعایت چارچوب و موازین رایج در آن جامعه شکل گرفته باشد؛ به مفهوم بی‌بندوباری و فساد تعریف شده است. فرهنگ برقرار در هر کشور در هر دوره تاریخی دچار تغییرات زیادی بوده است که ریشه در تفکر حاکمان و اندیشمندان آن کشور دارد. کشورمان ایران نیز همچون ملل دیگر دارای فرهنگ و آداب و رسوم مختص به خود است که در مورد روابط جنسی زن و مرد تعیین و تکلیف کرده است. همان‌طور که مستحضرید، فرهنگ و آداب و رسوم قالب کشورمان برگرفته از مبانی دینی و فرهنگ ناب ایرانی بوده و عموم مردم ایران متدین به دین اسلام و مذهب شیعه هستند و در کنار آن با فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی خود، مناسبات اجتماعی و شخصی خود را به پیش می‌برند. از سوی دیگر قانونی که در ایران حکم‌فرما است برگرفته از دستورات دین مبین اسلام و تفسیرهای مراجع عظام از احادیث و دستورات دینی است. بدیهی است؛ دین اسلام و مذهب شیعه، پاسخگویی به نیازهای جنسی زن و مرد را در چارچوب ازدواج و عقد نکاح تعریف کرده است؛ بنابراین تنها بستر قانونی و شرعی و اخلاقی رفع نیازهای جنسی زن و مرد در ایران در قالب ازدواج دائم و موقت تعریف شده است. طبعاً دستورات قانونی و شرعی به دلیل آنکه در طول گذر زمان در فرهنگ غالب مردم جای خود را باز می‌کند از جایگاه اجتماعی نیز برخوردار می‌شود با این اوصاف همان‌طور که می‌دانیم؛ پاسخگویی به نیازهای جنسی در قالبی غیر از ازدواج برای عموم مردم ایران مسئله‌ای ناخوشایند، ناپسند و غیراخلاقی قلمداد می‌شود. (نظافتی، ۱۳۹۶: ۲۱).

از طرفی جوانانی که درگیر روابط جنسی با جنس مخالف می‌شوند، معمولاً از دریافت اطلاعات و خدمات مناسب برای حفاظت از خود در برابر بیماری‌های مراقبتی محروم بوده و در نتیجه با احتمال بیشتری در معرض عواقب جسمانی ناشی از روابط محافظت نشده هستند که عواقب روانی فراوانی به همراه دارد. آن چه نسل امروز را دچار نوعی سردرگمی و پریشانی می‌کند از سویی زندگی در جامعه‌ی اسلامی و آمیخته با فرهنگ و رسوم ایرانی با قدمتی کهن است که اشکال مختلف روابط بین دختر و پسر با ارزش‌های فرهنگی و دینی جامعه تناقض دارد و از سوی دیگر، مسئله‌ی ارتباط تمدن‌ها از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت، افراد مختلف را به گونه‌ای



شگرف به یکدیگر نزدیک می‌سازد. نسل جوان در میان انبوهی اتهام و پرسش اسیر است و نمی‌داند با این مسئله چگونه برخورد کند. افراد مختلف برای پرکردن این خلأ به طرق مختلف برخورد می‌کنند؛ برخی به روابط مقطعی و عاشقانه روی می‌آورند؛ این در حالی است که ازدواج تنها راه مشروع برقراری رابطه با جنس مخالف در ایران است و اکنون این راه با موانع بسیاری روبه‌رو شده است؛ بنابراین روابط هم‌خانگی یا ازدواج سفید در ایران در دهه اخیر تبدیل به دغدغه‌ای اجتماعی شده است و گسترش این‌گونه روابط از جمله موضوعات حساس و عموماً منفعل در امر سیاست‌گذاری کشورهاست؛ زیرا در کشورهایی که در مرحله‌ی گذار از سنت به مدرنیته هستند، هنوز سنت‌ها بر روابط اجتماعی حاکم است و در کشوری چون ایران که مذهب، یکی از ارکان اصلی خانواده‌ها به شمار می‌رود، این روابط پسندیده و قابل قبول نمی‌باشد. این روابط چون در ایران به صورت پنهانی وجود دارد بسیاری گمان می‌کنند که چون آن را نمی‌بینند پس وجود خارجی ندارد؛ اما نتایج تحقیقات متعدد نشان داده که این روابط سال‌ها وجود دارد. (محقق داماد، ۱۳۸۷: ۱۴۱).

بنابراین، بررسی نگرش افراد مختلف نسبت به ازدواج سفید و تبیین جامعه‌شناختی آن می‌تواند گامی عمیق در راستای بررسی این پدیده باشد و درک و فهم بهتر تحولات فکری افراد جامعه در مورد این پدیده را آشکار می‌سازد. بارزترین ویژگی این پیوند شبه زناشویی که منشأ بسیاری از آسیب‌ها شده، فقدان مسئولیت‌پذیری و داشتن تعهد شرعی و قانونی طرفین به ملزومات یک پیوند عقلایی و قرارداد اجتماعی است. گفتنی است پیمان و تعهدی که مدافعان این پیوند از آن دم می‌زنند، صرفاً ماهیت اخلاقی و اظهاری داشته و قاعدتاً در صورت تخلف و نقض تعهد، هیچ ضمانت اجرا و اهرم فشاری برای الزام طرف یا طرفین متخلف به رعایت تعهدات فی‌مابین و اقتضائات حقوقی آن وجود ندارد؛ (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۲۱) و باز به دلیل فقدان رسمیت و وجاهت قانونی، به هیچ محکمه قضایی نمی‌توان عارض شد و از هیچ مرجع رسمی نمی‌توان توقع دادستانی، پیگرد و توبیخ نقض‌کننده پیمان را داشت. همچنین این نوع پیوند، به دلیل تزلزل ذاتی، فقدان مشروعیت رسمی و عرفی، از حمایت جامعه مدنی و عرف اجتماعی نیز محروم است و احتمالاً به دلیل همین ویژگی است که افراد هوسران (به‌ویژه مردان) و طالبان کام‌جویی‌های فرصت‌طلبانه، مشتاقانه بدان وسوسه می‌شوند و از آن استقبال می‌کنند. (لشنی، ۱۳۹۷: ۶۵).

این پیوند؛ هرچند بستری متزلزل برای دریافت درجاتی از کامروایی و کامجویی مشترک و تأمین نسبی نیازهای عاطفی و جنسی متقابل را میسر می‌سازد؛ اما به دلیل فقدان شالوده‌های نهادی، مجوزات عرفی، قانونی و شرعی؛ و تقبیح و نکوهش اجتماعی نمی‌تواند آرامش و آسایشی که نوعاً مردان و زنان از مجرای ازدواج رسمی جستجو می‌کنند به ارمغان آورد. روشن است که در این پیمان، شریک جنسی مؤنث به دلیل موقعیت متفاوتش، بیش از شریک جنسی مذکر، احساس تزلزل، ناامنی، ناخرسندی روانی و خسران اجتماعی دارد. مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که فقدان امنیت و آرامش روانی و نگرانی مداوم از بروز وضعیت‌های غیرمنتظره و نگران‌کننده در آینده به‌ویژه برای زنان حتی در جوامع غربی که در ظاهر، از زمینه‌ها، محمل‌ها و مجوزات بیشتری برای کسب مقبولیت و دفع حساسیت‌ها در فرهنگ عمومی یا نهادهای رسمی برخوردار است، همچنان وجود دارد. مطالعات انجام‌شده بیش از توجه دادن به پیامدهای مطلوب و خرسندکننده ادعایی آن، از مخاطرات، کژکارکردها و پیامدهای سوء فردی و اجتماعی آن در کوتاه‌مدت یا درازمدت پرده‌برداری کرده‌اند. (افراشته و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۳). تردیدی نیست که ابتلای عاملان به این سنخ عوارض و پیامدها در یک جامعه مذهبی مثل ایران که با شدت و حدت تمام بر غیرقانونی بودن و عدم مشروعیت این سنخ پیمان‌ها و متقابلاً بر انحصار طریق مجاز ارضا به ازدواج شرعی و پذیرفته‌شده اصرار می‌ورزد و عاملان را به هواپرستی، تجاهر در گناه و ارتکاب فحشا متهم می‌سازد، ده‌ها برابر بیشتر و پرهزینه‌تر است. روشن است که واکنش متشرعان به‌عنوان اکثریت جامعه به این سنخ ارتباطات، سیار خشن و طردکننده خواهد بود. از دید برخی کارشناسان فرهنگی اجتماعی، این سنخ الگوهای وارداتی کاملاً ناهمسو با بافت سنتی مذهبی جامعه ایران و ساختارهای نهادینه آن، هرچند ممکن است به دلیل برخی محدودیت‌ها و سنگلاخ‌ها در مسیر ازدواج رسمی و تعویق غیرمنتظره آن و نیز جاذبه‌های عاطفی و شهوانی آن



به‌ویژه در کام مردانی که لذت‌جویی نو به نو، پیاپی و درعین‌حال، عاری از تعهدات رسمی و الزامات عرفی و قانونی را فرصتی طلایی می‌انگارند، به‌صورت موقت یا حتی مداوم اما همچنان به‌صورت پنهان به حیات طفیلی خود ادامه دهد؛ اما به دلیل تخالف صریح آن با گفتمان فرهنگی، بنیادهای اعتقادی و ارزشی، بسترهای نهادی، قواعد ساختی، زندگی، تجربه‌های زیسته، معیارهای اخلاقی، احکام و قواعد فقهی حاکم و پذیرفته شده این جامعه، هیچگاه به‌مثابه یک الگوی بدیل در جنب الگوهای نهادی شده و دارای اعتبار و مشروعیت عرفی و شرعی (ازدواج دائم و تا حدی موقت) به رسمیت شناخته نخواهد شد و مشمول ارزش‌گذاری عرف عام و بالاتر از آن شریعت و قانون قرار نخواهد گرفت. البته از دید برخی، این خوش‌بینی را باید با قید «تا اطلاع ثانوی» مقید کرد؛ چراکه اقتدار هژمونیک و نفوذ پرشتاب فرهنگ غرب و مؤلفه‌هایی زیستی آن، تاکنون بسیاری از این محالات عادی را در جهان سنت ممکن ساخته یا دستکم از حساسیت و زمختی آن کاسته است.

بنابراین، در این پژوهش، محقق به دنبال این است که: پیامدها و آسیب‌های اجتماعی و ابعاد حقوقی ازدواج سفید در پرتو قوانین حاکم در ایران چیست؟

۱- مفاهیم و مبانی نظری

۱-۱- تعریف ازدواج سفید:

واژه‌ای که ترجمه فارسی white marriage انگلیسی و marriage blanc فرانسوی است و به آن ازدواج بد گفته می‌شد و در واقع، ازدواج ثبت شده و قانونی بود؛ اما بدون رابطه جنسی که البته بیشتر این ازدواج‌ها به ازدواج مطلق (به معنای ازدواج با رعایت تمام حقوق متقابل زناشویی) منجر می‌شد. اما رفته‌رفته با رنگ‌باختن حضور مذهب در بطن اجتماع پیشرفته غرب و با دستاویز قراردادن مسائلی مانند مشکلات اقتصادی، ازدواج سفید که در اصل به معنای ازدواج پاک و معصومانه بود، با رعایت تمام تعهدات مربوط به مسئله ازدواج، رنگ جدیدی به خود گرفت و هم رنگ دود و آهن شد؛ اما همچنان واژه سفید را مانند وصله ناجوری با خود یدک می‌کشید.

ازدواج سفید امروزه به معنای هم‌باشی و هم‌زیستی همراه با روابط جنسی است؛ اما بدون عقد نکاح و ثبت قانونی! واژه ازدواج سفید بامعنی امروزی حتی در آغاز از سوی جوامع غربی نیز پذیرفته نمی‌شد. در آلمان تا دهه ۱۹۵۰ به این نوع ازدواج، «ازدواج وحشی» می‌گفتند. در ایران از سال ۱۳۹۳ به بعد متأسفانه مسئله ازدواج سفید به تهدید بزرگی برای خانواده‌ها مبدل شد.

عبارت ازدواج سفید ترکیبی از کلمات «ازدواج» و «سپید» است که در ابتدا ظاهری زیبا دارد و مفهوم یک ازدواج ساده، صمیمی را به ذهن مخاطب ناآگاه می‌آورد؛ اما در واقع دلالت بر زندگی مشترک بدون خواندن صیغه عقد نکاح را دارد که تعهد و استحکامی در آن نیست و سوءاستفاده در آن زیاد است (قنبریان، ۱۳۹۶: ۱۷۶). وجه تسمیه این نوع ازدواج، سفید بودن شناسنامه طرفین و درج‌نشدن نام آنها در شناسنامه یکدیگر است (مینوی، ۱۳۹۳: ۵۴). این نوع رابطه عاطفی - جنسی بین زن و مرد به معنای «هم‌خانگی» و «هم‌بالینی» نیز شناخته می‌شود (محمدی اصل، ۱۳۹۳) که در هم‌خانگی، پابندی به شریک زندگی جنبه عاطفی دارد و بعد قانونی ندارد (گیدنز، ۱۳۷۳: ۵۵). همچنین، وقتی زن و مردی به دلایل شخصی خودشان زیر یک سقف و بدون ثبت رسمی و قانونی و حقوقی و مشروعیت دینی مذهبی در کنار هم زندگی می‌کنند؛ هم‌خانه می‌گردند به این روابط که جنبه خصوصی و شخصی در غرب دارد، ازدواج سفید گفته می‌شود (اراکی، ۱۳۸۶: ۱۷۱).

۲-۱- تاریخچه ازدواج سفید

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان؛ اهمیت و نقش محوری خانواده در جامعه ایرانی دارای وجه تمایزهایی با سایر کشورهای دنیا است. به طور مثال اهمیت و جایگاه ویژه‌ای که خانواده در زندگی شخصی و اجتماعی اشخاص در ایران دارد، در مقام مقایسه با این جایگاه برای ملل اروپایی و آمریکایی نمی‌باشد. چرا که کشورمان به دلیل ریشه فرهنگی متأثر از مبانی دین مبین اسلام و تمدن ناب ایرانی به جایگاه ویژه خانواده در پیشبرد زندگی اجتماعی و شخصی افراد تأکید ورزیده است. این مهم را به راحتی می‌توان در گفت‌وگو با بزرگان و صاحب‌نظران دینی و ملی کشورمان شاهد بود.

در خصوص تاریخچه ازدواج سفید بایستی به نظام اجتماعی و تشکیلاتی کشورهای غربی رجوع کرد. جایی که در سالیان اخیر شروع و برقراری پیوند عاطفی و زناشویی در کشورهای غربی در ساختاری خارج از مباحث حقوقی و سنت‌های مرسوم ترویج پیدا کرده است و مقوله ازدواج غیررسمی و غیرحقوقی از جایگاه خاصی برخوردار شده است. این نوع ازدواج یا همان هم‌باشی ناپایدار برای اولین بار در ایالات متحده آمریکا و زیر پرچم جنبشی به نام آزادی زنان پایه‌ریزی شده است. اگرچه جنبش آزادی زنان باهدف و نیت توسعه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... کشور و تحقق مفهوم عدالت در همه ابعاد برای زنان شکل گرفت، اما سال‌ها بعد این جنبش به نام انقلاب جنسی در بین کارشناسان معرفی گشت و ابعاد عدالت‌جویانه و ضد تبعیض آن جایش را به ناهنجاری‌ها و رفتارهای نامتعارف و ابتذال محور در بین زنان داد. درست است که ماهیت و هدف جنبش آزادی زنان دارای ارزشمندی‌های زیادی برای جامعه ایالات متحده آمریکا بود ولی نمی‌توان از ناهنجاری‌ها و سنت‌شکنی‌های غیراخلاقی آن چشم‌پوشی کرد. از آن زمان بود که پدیده ازدواج سفید و شروع زندگی مشترک بدون لحاظ مسائل قانونی و رسمی ترویج یافت. (خلج آبادی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۸).

۳-۱- ازدواج سفید در ایران

به‌طور کلی ازدواج رسمی از لحاظ سلامت جنسی، جسمی و روانی دارای فواید و امتیازهای به‌مراتب بیشتری در قیاس با ازدواج سفید و غیررسمی است. اشخاصی که مبادرت به این نوع به‌اصطلاح هم‌باشی می‌نمایند؛ از سلامت و ضریب اطمینان جنسی و جسمی کمتری نسبت به ازدواج رسمی برخوردارند و چه‌بسا به دلیل عدم شناخت کافی از طرف مقابلشان، دچار مخاطرات و بیماری‌های مقاربتی شوند. همچنین بسیاری از افرادی که اقدام به انتخاب ازدواج از نوع سفید می‌نمایند؛ از کیفیت رابطه جنسی مناسبی بهره نبرده و دچار مشکلات مربوط به رضایت جنسی نیز هستند. البته عدم تحقق این موارد فقط وابسته به این مدل ازدواج نیست و عوامل دیگر نیز مؤثر هستند.

از نظر روحی و روانی؛ اشخاص درگیر با پدیده ازدواج سفید، دچار آسیب‌های روحی همچون افسردگی، سطح رضایت پایین عاطفی و ... هستند که بسیار خطرناک و مشکل‌ساز است. در روابط مربوط به این مدل ازدواج به دلیل آنکه؛ احتمال جدایی و عدم قطعیت پیوند رسمی زیاد است، آسیب‌های روحی و روانی همچون افسردگی، ناامیدی و.. برای دو طرف محتمل است. همچنین یکی دیگر از معایب ازدواج سفید؛ فقدان مرزبندی مشخص در رابطه با مسئولیت‌ها، تعهدات، تکالیف و حقوق دوجانبه است که در انسجام و استحکام رابطه عاطفی و زناشویی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم ایجاد می‌نماید. هدفمند نبودن طرفین برای سرمایه‌گذاری اقتصادی و رشد مالی از دیگر اشکالاتی است که اشخاص در این نوع ازدواج با آن مواجه هستند و باعث خسارات مالی و معنوی خواهد شد. شایان ذکر است که بررسی ابعاد فقهی، اجتماعی، روان‌شناسی و غیره موضوع این نوع ازدواج نیازمند جلسات و تجزیه و تحلیل‌های همه‌جانبه و در نظر گرفتن تجارب و مطالعات میدانی اشخاص مرتبط در این قضیه است. امید است که مسئله ازدواج سفید با رویکردی علمی و تجربی به سرانجام خوشی منجر شود.



۱-۳-۱- آمارهای قابل توجه در خصوص ازدواج سفید

در کشورمان آمار دقیق و مشخصی پیرامون پدیده ازدواج سفید ارائه نشده است و این مسئله صرفاً به عنوان یک نگرانی و دغدغه معرفی شده است. هرچند آمار رسمی در این زمینه منتشر نشده است؛ اما شنیده‌ها حاکی از رواج نسبی این ازدواج در مناطقی از تهران به ویژه شمال شهر است. از حدود اواسط دهه نود شمسی تعداد این نوع از روابط افزایش یافته و به گزینه‌ای برای ادامه رابطه به خصوص برای افرادی با تمایلات کمتری مذهبی تبدیل شده است. بر اساس تحقیقات آماری که از ازدواج سفید در ایران به عمل آمده است این ازدواج سفید بین ۱ تا ۳ سال است که رواج پیدا کرده است. اغلب اشخاصی که از ازدواج سفید می‌کنند سنی بین ۲۵ تا ۳۰ سال داشته‌اند و ۶۲ درصد آنها از تحصیلات کاردانی و کارشناسی برخوردار بوده‌اند و ۲۳ درصد ایشان در مقطع ارشد و دکتری تحصیل می‌کرده‌اند. اصولاً عمر ازدواج سفید در ایران و سراسر دنیا زیاد نبوده و احتمال جدایی طرفین درگیر با ازدواج سفید به مراتب بالاتر از ازدواج رسمی است. زیرا که طرفین هیچ تعهدی نسبت به یکدیگر نداشته و به راحتی قادر به انتخاب گزینه جدایی خواهند بود. متأسفانه بسیاری از رسانه‌ها و مسئولان ذی‌ربط اقدام به چشم‌پوشی از موضوع این مدل ازدواج کرده‌اند که آن‌چنان جالب توجه به نظر نمی‌رسد. چرا که این مسئله‌ای است که در بطن جامعه وجود داشته و آمارهای غیررسمی از رشد و افزایش روزافزون آن سخن به میان آورده است؛ بنابراین لازم است که در بستری آزاد و تحلیلی به موضوع هم‌باشی ناپایدار پرداخته شود و جنبه‌های اجتماعی و اخلاقی آن برای عموم مردم تشریح گردد. آمارهای ازدواج سفید در امریکا اذعان می‌دارد که بیش از دو سوم زوج‌های این کشور، قبل از ازدواج رسمی و قانونی، اقدام به زندگی در زیر یک سقف را داشته‌اند. (رحمت آبادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۴).

6

در سال ۱۹۹۴، حدود ۷/۳ میلیون زوج آمریکایی بدون ازدواج رسمی در کنار یکدیگر و زیر یک سقف زندگی می‌کردند و نزدیک به اواخر دهه ۱۹۹۰، حداقل ۵۰ تا ۶۰ درصد زوج‌ها، قبل از ازدواج رسمی، با هم زندگی می‌کردند. همچنین این در حالی است که تا قبل از سال ۱۹۷۰، زندگی زن و مرد بدون ازدواج رسمی در ایالات متحده غیرقانونی و جرم محسوب می‌شد.

بر اساس آمارهای رسمی مراجع ذی‌ربط کشور آمریکا؛ از سال ۱۹۶۰ تا سال ۲۰۰۰ میلادی، تعداد زوج‌هایی که خارج از چارچوب ازدواج رسمی با هم زندگی کرده‌اند، ده برابر شده و در حال حاضر، زندگی مشترک بدون ازدواج رسمی، به موضوعی عادی در روند آشنایی زن و مرد در زندگی اجتماعی کشور آمریکا مبدل گشته است؛ بنابراین مشخص می‌شود که پدیده ازدواج سفید در بخش اعظمی از جامعه آمریکا پذیرفته شده است و دارای خاصیت هنجارشکنانه و غیراخلاقی نمی‌باشد. اساساً عمر این مدل ازدواج در ایران و جهان زیاد نمی‌باشد و احتمال جدایی زوجین درگیر با ازدواج سفید به مراتب بیشتر از ازدواج رسمی است. چرا که طرفین تعهدی نسبت به یکدیگر ندارند و می‌توانند گزینه جدایی را به راحتی انتخاب کنند. تعهداتی که در ازدواج رسمی وجود دارد جنبه‌های زیادی را در بر دارد؛ جنبه‌های حقوقی، اجتماعی، فردی و اخلاقی که حائز اهمیت نیز است. در کشورهای اروپایی و امریکا ازدواج سفید در یک دوره یک تا دو ساله یا به ازدواج رسمی ختم شده و یا اینکه به جدایی ختم می‌شود. البته بخش اعظمی از این نوع ازدواج در کشورهای غربی به دلیل آنکه فرهنگ و نوع نگرش جامعه غربی متناسب با سبک زندگی همچون ازدواج سفید است؛ به ازدواج رسمی و تشکیل خانواده منجر می‌شود؛ ولی اکثریت ازدواج‌های سفید جامعه ایرانی به دلایل بالا به جدایی منجر شده و همچون تجربه‌ای عاطفی و جنسی تلقی می‌شود.

البته نمی‌توان به آن بخش از ازدواج‌های رسمی که ریشه در روابط قبل از ازدواج و شاید ازدواج سفید داشته باشد اشاره نکرد؛ ولی به طور کلی نمی‌توان تعادلی بین مزایا و معایب این مدل ازدواج در جامعه ایرانی پیدا کرد؛ بنابراین لازم است جوانان ایرانی با توجه ویژه‌ای در پدیده ازدواج سفید تفکر کرده و از انتخاب سطحی و عجولانه برای گزینش سبک زندگی زناشویی همچون ازدواج‌های سفید خودداری نمایند.



۱-۳-۲- ازدواج سفید در فرهنگ ایرانی

در ایران با در نظر داشتن فرهنگ موجود و نقش بسیار پررنگ مذهب در خانواده‌ها، روال مرسوم و مطلوب میان زوجین و خانواده‌ها، ازدواج رسمی و سنتی است. بر همین اساس اغلب افراد در بیشتر مناطق از آداب و رسوم سنتی و رسمی تبعیت کرده و هر نوع عدم همخوانی با این روش از دید دیگران و جامعه ایرانی غلط و ناپسند به حساب می‌آید. به بیانی ساده‌تر در ایران شخصی که ازدواج سفید انجام می‌دهد، مورد شماتت و سرزنش خانواده‌ها قرار می‌گیرد. با توجه به ریشه‌های فرهنگی و مذهبی در ایران، ازدواج به شکل رسمی و سنتی با حضور پررنگ خانواده‌ها روال رایج و مطلوب رابطه بین زوج‌هایی جوان است که از آداب و رسوم خاص فرهنگی هر منطقه تبعیت می‌کند به همین دلیل هرگونه عدم تجانس با این شیوه پذیرفته شده در جامعه ایرانی مذموم به شمار می‌آید. با این حال تغییرات اجتماعی و تبعیت از فرهنگ غرب راه را برای ورود شیوه‌های غیرسنتی به جامعه ما باز کرده است. (عبدی نیان و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۸).

تعهداتی که در ازدواج رسمی وجود دارد؛ جنبه‌های بسیاری اعم از جنبه‌های حقوقی، اجتماعی، فردی و اخلاقی که بسیار مهم هستند را شامل می‌شود. در جوامع غربی ازدواج سفید در یک دوره ۱ تا ۲ ساله یا منتهی به ازدواج رسمی می‌گردد و یا آنکه به جدایی منتهی می‌شود. با وجود این قسمت اعظمی از ازدواج سفید در کشورهای غربی به این خاطر که فرهنگ و سبک نگرش جامعه غربی متناسب با نوع زندگی چون ازدواج سفید است، به ازدواج رسمی و تشکیل خانواده منتهی می‌گردد؛ اما بیشتر ازدواج‌های سفید جامعه ایرانی بنا به علل متعدد به جدایی منتهی شده و به ماندن یک تجربه عاطفی و جنسی تلقی می‌گردد. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۳۴). با این حال نمی‌توان به آن قسمت از ازدواج‌های رسمی که ریشه در روابط پیش از ازدواج و احتمالاً ازدواج سفید دارد، اشاره‌ای نداشت. اما به صورت کلی نمی‌توان در جامعه ایرانی تعادلی میان مزیت‌ها و معایب ازدواج سفید پیدا کرد. (کریمیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۸).

از این رو بایستی جوانان ایرانی با توجه خاصی در رابطه با پدیده ازدواج سفید تفکر نموده و از انتخاب سطحی و عجولانه به منظور انتخاب سبک زندگی زناشویی مثل ازدواج سفید اجتناب کنند.

۲- شرایط شکل‌گیری ازدواج سفید

در ادامه مقاله می‌خواهیم درباره علت اینکه ازدواج سفید در ایران به وجود می‌آید صحبت کنیم، تأکید می‌کنیم این موضوع را از ابعادی که در ایران مطرح است بررسی می‌کنیم.

۱. **مشکلات مالی:** یکی از موارد مهمی که باعث می‌شود دو نفر بدون ازدواج زندگی مشترکشان را شروع کنند مشکلات مالی است. به هر حال ازدواج رسمی و درگیر شدن خانواده‌ها نیاز به حداقل‌هایی دارد که با شرایط اقتصادی و اجتماعی امروزه شاید به راحتی برای همه قابل فهم نباشد و همین باعث شود دو نفر بدون درگیر کردن خانواده‌ها و ازدواج رسمی و رسم و رسوماتش با یکدیگر زنگی کنند و رابطه جنسی داشته باشند.

۲. **موانع ازدواج از سمت خانواده:** شاید تعجب کنید؛ اما سن ازدواج سفید در ایران پایین است! معمولاً افراد در سنینی هستند که کار مشخصی ندارند، درشان تمام نشده است، ثبات مالی ندارند و ... بنابراین آماده ازدواج رسمی نیستند و خانواده‌هایشان به خصوص خانواده دختر شاید این شرایط را نپذیرد، بنابراین دختر و پسر تصمیم می‌گیرند تا فراهم شدن شرایط با یکدیگر پنهانی ازدواج سفید داشته باشند.

۳. **اعتقاد نداشتن به ازدواج:** برخی افراد به دلایل مختلف اعتقادی به ازدواج ندارند یا از آن می‌ترسند و تصور می‌کنند، نیازی به ازدواج رسمی نیست؛ بنابراین برای اینکه بتوانند از مزایای داشتن یک رابطه عاطفی بهره‌مند شوند ازدواج سفید انجام می‌دهند.

۴. **بی تعهدی و بی مسئولیتی:** همان طور که توضیح دادیم ازدواج سفید و ابعادش در ایران متفاوت از غرب است، تحقیقات در این زمینه نشان داده است، اکثر آقایانی که به دنبال ازدواج سفید هستند نمی‌خواهند زیر بار مسئولیت‌های حقوقی ازدواج بروند؛ اما در عین حال از تمام مزایای ازدواج و در کنار شریک عاطفی‌شان بودن بهره‌مند می‌شوند! این اتفاق در اکثر اوقات منجر به آسیب‌های روحی و روانی به خانم‌ها می‌شود و بر خلاف آمارهای کشورهای غربی که اغلب ازدواج‌های سفید به ازدواج رسمی ختم می‌شود، در ایران ازدواج‌های سفید به رابطه طولانی مدت و بلا تکلیف ختم می‌شود.

۵. **محک زدن طرف مقابل:** خیلی از افراد، چه خانم‌ها چه آقایان، شناخت کافی نسبت به طرف مقابل ندارند و از اینکه آیا این رابطه می‌تواند به ازدواج ختم شود یا خیر تردید دارند، بنابراین بدون ازدواج رسمی زندگی مشترک را شروع می‌کنند تا ببینند به قول معروف «آیا به هم می‌خورند یا خیر؟». غافل از اینکه ازدواج سفید در ایران حتی اگر شامل تمام روزهای سال شود، یک ازدواج نصفه و نیمه است و شبیه به ازدواج واقعی نیست. (آزاد ارمکی، ۱۳۹۱: ۷۵).

۲-۱- مؤلفه‌های تشکیل دهنده:

در دنیای مدرن حساسیت‌های مذهبی و سنتی به حاشیه رفته و عملاً دوران نامزدی، توسعه زمانی و مکانی یافت و دیگر دختر و پسر نامزد، به دلیل مشکلات اقتصادی، اشتغال و تحصیل، عجله‌ای در ازدواج رسمی نداشتند، از طرف دیگر، با وجود تعهدات سخت در ازدواج‌های سنتی و نیز تعهدات حقوقی - مدنی (شروط ضمن عقد) در این خصوص، به تدریج دوران نامزدی طولانی‌تر از حد معمول شد، طوری که بسیار اتفاق می‌افتاد که زوج آینده پیش از ازدواج رسمی دارای فرزند می‌شدند. این همزیستی زوجین، در کشورهای غربی طرفداران خود را دارد؛ اما در جامعه اسلامی به هیچ وجه به رسمیت شناخته نمی‌شود، گرچه در بین جوانان رواج یافته است بی‌آنکه پشتوانه شرعی و حقوقی داشته باشد. (قنبریان، ۱۳۹۶: ۷۸).

تمایل به این سبک از زندگی در ایران از عوامل مختلفی نشئت می‌گیرد که به طور اجمالی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. **پذیرش آموزه‌های فمینیستی:** از جمله بسترها و عوامل زمینه‌ساز گسترش ازدواج سفید در بین جوانان است. اندیشمندان فمینیست در دفاع از آزادی تا آنجا پیش می‌روند که ازدواج و تشکیل خانواده را به بردگی تشبیه می‌کنند و آن را تنها برده‌داری قانونی برمی‌شمارند (چراغچی کوتیانی، ۱۳۹۳: ۵۷).

۲. **آزادی‌های جنسی:** افزایش تحصیلات دختران و ورود آنان به عرصه‌های اجتماعی به تدریج، روابط دختر و پسر را آسان کرده است. رابطه‌ای که امروزه به راحتی با تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی میسر می‌شود و البته پنهان‌شدنی است. این خود یکی از عوامل زمینه‌ساز گسترش الگوی هم‌خانگی است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۱: ۱۱۲).

۳. **عدم تعهد و مسئولیت‌پذیری:** نهاد خانواده و ازدواج رسمی به خاطر اینکه توأم با مسئولیت‌پذیری جدی زوجین نسبت به یکدیگر است و طبعاً آزادی آنان را محدود می‌کند و رفته رفته کمتر مورد استقبال جوانان امروزی قرار می‌گیرد، در عوض ازدواج سفید چون؛ نه الزاماً در جایی ثبت می‌شود و نه تعهد و مسئولیت مهمتی را ایجاد می‌کند و همیشه بدون هیچ دلیلی قابل به هم زدن است، محبوبیت بیشتری برای زنان و مردان جوان دارد (سمیعی، ۱۳۹۳: ۶).

۴. **الگوبرداری از رسانه‌های غربی:** وسایل ارتباط جمعی مانند ماهواره، اینترنت، تلفن همراه و برنامه‌های آنها در ایجاد تغییرات اجتماعی و روان‌شناختی در بین افراد جامعه خصوصاً جوانان تأثیر بسزایی دارند، اما جوانان این تحولات تدریجی در طرز زندگی خود را در نمی‌یابند و آن را تغییرات عادی در زندگی روزمره می‌دانند در حالی که ناآگاهانه در حال آموزش دیدن هستند (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳: ۱۱۳).



۵. موارد دیگر: مولفه‌های فراوانی را از ابعاد مختلف می‌توان برای شکل‌گیری ازدواج سفید در نظر گرفت همانند: کم‌اهمیت شدن باورهای مذهبی، توجه صرف به ارضای نیازهای جنسی و مشکلات اقتصادی.

۲-۲- دلایل گرایش جوانان به ازدواج سفید

ازدواج سفید در جوامع امروزی بسیار بیشتر از گذشته رواج پیدا کرده است که علت اصلی آن عدم مسئولیت‌پذیری یکی از طرفین یا هر دوی آن‌ها است. در واقع ازدواج سفید به معنای هم خانه شدن دختر و پسر بدون وجود پیوند شرعی ازدواج بین آن‌هاست که باعث می‌شود فرد همواره احساس شناور بودن داشته باشد. چرا که نمی‌داند آیا زوج او نسبت به رابطه بینشان وفادار می‌ماند یا خیر و همواره ترس از اینکه این فرد برای او می‌ماند یا می‌رود را با خود به دوش می‌کشد. همین موضوع باعث می‌شود تا امنیت روانی صحیح و سالمی برای آنان فراهم نشود. (عبدی نیان و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۰).

دلایل متعددی باعث تن‌دادن جوانان به ازدواج سفید شود که در ادامه به بیان هر یک می‌پردازیم:

۱. **عدم تعهد و فرار از مسئولیت‌پذیری:** یکی از دلایل تمایل افراد به ازدواج سفید، نداشتن هیچ‌گونه تعهد و مسئولیت‌پذیری در این نوع از ازدواج است؛ در طی این نوع از ازدواج هر زمان هر یک از زوجین می‌توانند زندگی را ترک کنند. همین موضوع باعث می‌شود تا افراد سرمایه‌گذاری عاطفی، مالی، زمانی و روانی خود را محدود به شرایط کنند و با یک تغییر کوچک در فرد مقابل، خود را از ادامه مسیر کنار کشند.
۲. **وجود مشکلات اقتصادی و هزینه‌های گزاف زندگی:** با بالا رفتن هزینه‌های زندگی، قدرت خرید افراد بسیار پایین آمده است و به تبع آن امرارمعاش برای خیلی از افراد دشوار است. همان‌طور که می‌دانید پیدا کردن شغل مناسب با درآمد معقول در جامعه امروز بسیار سخت شده و هیچ امنیت شغلی برای افراد وجود ندارد. همین موضوع باعث بالا رفتن سطح استرس افراد شده است. در واقع بسیاری از افراد ترجیح می‌دهند که با وجود مشکلات اقتصادی و هزینه‌های گزاف با ازدواج شرعی و رسمی خداحافظی کرده و زیر بار این مسئولیت بزرگ نروند.
۳. **تأثیر رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی:** با پیشرفت تکنولوژی و دسترسی افراد به سبک زندگی جوامع غرب، همانندسازی با آنان بسیار بیشتر و راحت‌تر شده است. ماهواره، اینترنت، وسایل چت و یوتیوب نمونه‌هایی از این رسانه‌ها هستند. در واقع این شبکه‌های اجتماعی باعث سست کردن ارزش‌های یک جامعه و عادی‌سازی ازدواج سفید در بین افراد شده است و تنوع‌طلبی و عدم تعهد را به صورت پنهان در بین افراد آموزش می‌دهند.
۴. **وجود اختلالات شخصیتی:** بروز اتفاقاتی در کودکی بعضی از افراد، باعث می‌شود تا مشکلات جدی برای آن‌ها در دوران بزرگسالی پیش آید و این مشکلات در انتخاب سبک زندگی آنان بسیار تأثیرگذار است. طلاق والدین، تنبیه و عدم توجه از سوی والدین باعث شده تا افراد در بزرگسالی دچار اختلالات شخصیتی چون بی‌ثباتی، تنوع‌طلبی، بی‌مسئولیتی، هوس‌بازی و شکاکی شوند. در واقع افراد مبتلا به اختلالات ذکر شده ممکن است به سو استفاده‌گری از سایر افراد بپردازند و تن به ازدواج سفید دهند. (محمدی اصل، ۱۳۹۳: ۷۸).
۵. **فرار از تحمیل نظر والدین برای ازدواج:** گاهی اصرار والدین برای تحمیل نظر خود به فرزندان درباره ازدواج و انتخاب شخص موردنظر، باعث می‌شود تا آزادی فرزندان در خانواده گرفته شود و احساس ناخوشایندی به آن‌ها دست دهد. همین موضوع باعث می‌شود تا فرزندان برای مقابله یا لجبازی با والدین خود، به ازدواج سفید تن دهند.

۶. **عدم وجود تعهدات مربوط به مهریه و جهیزیه:** در ازدواج سفید هیچ اجباری برای انجام تعهدات شرعی چون مهریه‌های سنگین، خرید جهیزیه گران‌بها و پرداخت شیربها، وجود ندارد. این موضوع باعث شده تا بسیاری از جوانان امروزی به سمت ازدواج سفید کشیده شوند.
۷. **ترس از طلاق به دلیل ناهمخوانی اخلاقی، رفتاری و عدم تفاهم:** گاهی ترس بیش از حد افراد از عدم تفاهم یا شناخت کامل اخلاق و رفتار طرف مقابل، باعث می‌شود تا به سراغ ازدواج سفید بروند. در واقع همین احساس عدم اطمینان و به دنبال آن ترس از طلاق، باعث شده تا ازدواج سفید این روزها در بین افراد بسیار رایج شود.
۸. **گریز از مراسم رسمی ازدواج و هزینه‌های مربوط به آن:** این روزها توقع خانواده‌ها یا یکی از زوجین برای برگزاری مراسم عقد، حنابندان، نامزدی و عروسی بسیار بالا رفته است و شرایط بد اقتصادی باعث شده که هزینه برگزاری این مراسم‌ها روزبه‌روز افزایش پیدا کند. از آنجاکه افراد همیشه به دنبال راحتی بیشتر هستند و از رسم و رسومات و تشریفات سنگین فراری هستند، ازدواج سفید این روزها تبدیل به انتخاب رایج بسیاری از افراد شده است.
۹. **بالارفتن سن ازدواج در جوانان ایرانی:** باتوجه‌به وجود مشکلات متعدد در جوامع امروزی، متأسفانه سن ازدواج در بین دخترها و پسرها بالا رفته است. همین موضوع باعث شده تا بسیاری از جوانان به ازدواج سفید روی آورند.

10

۳- پیامدها و مضرات ازدواج سفید

شاید عجیب باشد؛ اما نام دیگر ازدواج سفید، تجاوز سفید است. طبیعتاً هر اقدام غیرشرعی و غیرقانونی، تبعاتی را با خود به همراه خواهد داشت. پنهان نگه‌داشتن یک رابطه باعث ایجاد پیامدهای فردی و روانی در هر یک از زوجین می‌شود. به‌علاوه غیرشرعی بودن این نوع از ازدواج نیز باعث ایجاد یک‌سری مشکلات و تبعات اجتماعی خواهد شد. در ادامه به بررسی نمونه‌هایی از مضرات ازدواج سفید خواهیم پرداخت.

۱. طردشدن از خانواده و فامیل و بروز احساس سرخوردگی
۲. ایجاد احساس گناه و عذاب وجدان در هر یک از زوجین
۳. از بین رفتن دوشیزگی و ایجاد مشکلاتی برای ازدواج قانونی
۴. به‌وجود آمدن مشکلات روحی و روانی در هر یک از افراد و ایجاد افسردگی
۵. نامشخص بودن تکلیف فرزند حاصل از ازدواج سفید
۶. از بین رفتن احساس آرامش و امنیت روانی در افراد
۷. بالارفتن احتمال خیانت بین زوجین و گسترش فساد در جامعه
۸. عدم حمایت قانون ازدواج سفید
۹. عدم وفاداری و تعهد
۱۰. کم‌اهمیت شدن ازدواج رسمی
۱۱. جایگزینی روابط سالم زناشویی با بی‌بندوباری و خوشگذرانی
۱۲. از بین رفتن امنیت روانی دختر و پسر
۱۳. ایجاد حس دوگانگی در افراد (خلج آبادی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰).

۳-۱- مهم‌ترین معایب و نقص‌های ازدواج سفید



با همه گفته‌هایی که داشتیم متوجه شدید که ازدواج سفید برای جامعه ایرانی غیرقابل هضم بوده و دچار مشکلات و اشکالات زیادی است. اگر بخواهیم مهم‌ترین معایب و نقص‌های این نوع ازدواج را در جامعه ایرانی عنوان نماییم، می‌توانیم به موارد ذیل اشاره داشته باشیم:

- عدم تعهد و وفاداری
- خیانت جنسی زوجین به یکدیگر
- ازدواج سفید برای بسیاری از زنان و مردان به منزله خوش‌گذرانی و تفریح تعریف شده است.
- بروز مشکل در روابط خانوادگی
- عدم‌پذیرش و حمایت عاطفی و مالی از طرف خانواده‌ها
- توسعه فساد در جامعه در شرایطی که فهم لازم برای ازدواج سفید وجود ندارد.
- نقص در ستون‌های خانواده ایرانی (نظافتی، ۱۳۹۶: ۲۵).

ترویج آزمایشی شدن مقوله ازدواج، موقتی شدن و عدم تعهدپذیری طرفین در ازدواج سفید باعث ممانعت از این موضوع می‌شود که بسیاری از جوانان از فواید ازدواج رسمی برای طرفین غافل شوند. جمع‌کثیری از روان‌شناسان بر این باورند که عدم قطعیت در مورد ثبات و طول عمر روابط مربوط به ازدواج سفید، سرمایه‌گذاری در آن را برای هر دو طرف خطرناک می‌نماید. (مینوی، ۱۳۹۳: ۱۰۰). از سوی دیگر، گذراندن زندگی با یک شخص به جای ازدواج کردن با وی، جذابیت مقوله ازدواج را برای اشخاص کم می‌نماید و حتی در صورت پذیرش ازدواج دائم با همان فرد یا فرد دیگر، احتمال موفق شدن این اشخاص در زندگی مشترک و زناشویی به مراتب کمتر است.

11

۴- علل گرایش به هم‌خانگی بدون ازدواج (ازدواج سفید از منظر قانون)

اگرچه تعداد ازدواج سفید در جامعه ایرانی تعداد قابل‌ملاحظه‌ای در قیاس با جمعیت کشور نمی‌باشد؛ ولی همین میزان نیز موضوعی نگران‌کننده و خطرناک برای مسئولان و کارشناسان ذی‌ربط تلقی می‌شود و بایستی به سرعت به فکر راهکاری برای رفع این معضل اجتماعی نمایند. مهم‌ترین دلایل و علت‌هایی که باعث رشد این‌طور روابط خارج از چارچوب می‌شود عبارت‌اند از:

۱- مشکلات اقتصادی:

بدون شک مسئله اقتصادی در همه زمینه‌های زندگی اشخاص تأثیرگذار است. کشور ما متأسفانه از وضعیت اقتصادی آشفته‌ای رنج می‌برد که این موضوع، فشارها را به جوانان و کسانی که به دنبال ازدواج هستند مضاعف می‌نماید. بسیاری از جوانان به دلیل عدم فراهم بودن شرایط اقتصادی همچون؛ کار، سرمایه، مسکن و غیره نمی‌توانند تعهد رسمی در قبال ازدواج و پیوند زناشویی داشته باشند و ترجیح می‌دهند روابط عاطفی و جنسی خود را در قالب این نوع به‌اصطلاح هم‌باشی مدیریت نمایند. مسئله مالی و اقتصاد در تمامی زمینه‌های زندگی اشخاص نقش بسزایی دارد. (ازدواج سپید) کشور ما ایران از لحاظ اقتصادی، کشوری آشفته و با توان مالی‌های متغیر روبه‌پایین برخوردار است که این موضوع باعث شده تا افرادی که به دنبال ازدواج هستند دچار فشار مالی شوند. به همین دلیل بسیاری از جوانان به دلیل فراهم نبودن شرایط اقتصادی مانند: کار، سرمایه، مسکن و ... نمی‌توانند تعهد محضری و قانونی در قبال پیوند زناشویی داشته باشند، به همین دلیل ترجیح آنها بر این است که روابط عاطفی و جنسی خود را از راه ازدواج سفید مدیریت نمایند. (عبدی نیان و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۲).

۲- بالارفتن سن ازدواج جوانان ایرانی:



همه ما می‌دانیم که ازدواج مناسب بایستی در یک دوره زمانی مشخصی صورت گیرد و افزایش پیدا کردن سن ازدواج جوانان سبب نوعی سردرگمی در انتخاب و شکل‌گیری مسیر ازدواج رسمی می‌شود. همین اشکال باعث می‌شود که زمینه‌ها برای انحراف و هدایت روابط عاطفی و جنسی جوانان در بستر ازدواج سفید شکل گیرد. بالارفتن سن ازدواج نیز متأثر از دلایل و شاخص‌های زیادی است که ریشه در مباحث اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد که می‌توان مطالب و صحبت‌های زیادی پیرامون این موضوع ایراد داشت. ازدواج می‌بایست در یک بازه مشخصی صورت بگیرد. به همین دلیل با افزایش سن جوانان نوعی سردرگمی در انتخاب و هدف ازدواج رسمی ایجاد می‌شود. (رابطه نامشروع) تمامی این موارد باعث می‌شود که زمینه گمراهی و هدایت روابط عاطفی و جنسی به سوی ازدواج سفید باشد. بالارفتن سن ازدواج جوانان از دلایل متعددی تبعیت می‌کند که ریشه در مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد. (مینوی، ۱۳۹۳: ۱۱).

۳- بالارفتن آمارهای طلاق:

به‌رحال وقتی جوانان به آمارهای طلاق در جامعه ایرانی توجه می‌کنند؛ احساس نگرانی و ابهامی در خصوص صحت و درستی انتخاب خود برای ازدواج در خود می‌یابند. این موضوعی است که انکارناپذیر بوده و نمی‌توان آن را موضوعی بهانه‌جوانه و بی‌تأثیر در گرایش جوانان به ازدواج سفید تلقی کرد. وقتی به ریشه‌های طلاق در جامعه ایرانی توجه می‌نماییم؛ به دلایل مختلفی می‌رسیم که تأثیر گرفته از مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است؛ بنابراین لازم است که مسئولان ذی‌ربط، فکری به حال آمار نگران‌کننده طلاق داشته باشند تا ستون‌های ازدواج رسمی که امری مقدس در فرهنگ و دین ما است به لرزه نیفتد. (چراغچی کوتیانی، ۱۳۹۳: ۵۹).

۴- محک‌زدن رابطه:

این افراد بر این باورند که باتوجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و ... تعداد کثیری از ازدواج‌ها منجر به طلاق شده است و جهت جلوگیری از این آسیب به هر طریق ممکن می‌خواهند از همسر آینده‌شان اطلاعات بیشتری در دست داشته باشند تا بتوانند ازدواج موفق داشته باشند؛ بنابراین در ازدواج سفید با طرف مقابل به‌عنوان همسر به مدت زیاد و یا مدت مشخصی را اقدام به زندگی می‌کنند تا بتوانند با اخلاقیات و روحیات یکدیگر مقدار آشنایی‌ات پیدا کنند. (ازدواج سپید) که این مورد نیاز به تحلیل بیشتر از طرف افراد صاحب‌نظر در حوزه ازدواج و فرایند شناخت دختر و پسر برای تشکیل خانواده و ازدواج موفق داشته باشند. (هم خانگی بدون ازدواج). (رحمت آبادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۰).

وقتی پای صحبت‌های جوانانی که مرتکب ازدواج سفید شده‌اند و یا تصمیم بر این موضوع دارند می‌نشینیم، دلایل و موضوعات پیرامون محک‌زدن طرف مقابل برای انتخاب درست و صحیح را دخیل در تصمیمشان برای این نوع به‌اصطلاح هم‌باشی در نظر می‌گیرند. این جوانان بر این عقیده‌اند که به دلایل شرایط ناامن موضوع ازدواج که مشکلات اقتصادی، حقوقی و مخاطرات اجتماعی را در خصوص شکست مقوله ازدواج و شکل‌گیری آسیب طلاق به‌محتمل می‌سازد، بایستی به هر طریق ممکن از همسر آینده‌شان اطلاعات و شناخت بیشتری کسب نمایند تا بتوانند با دید باز و شفاف اقدام به انتخاب همسر رسمی و شریک زندگی خود نمایند؛ بنابراین، در طی یک ازدواج سفید؛ برای مدت مشخصی اقدام به زندگی با همسر خود کرده و از اخلاقیات و روحیات او تا حدودی آشنا می‌شوند. این موضوع نیز نیاز به تحلیل و کارشناسی اشخاص صاحب‌نظر در حوزه ازدواج و فرایند شناخت طرفین برای ازدواج دارد که بایستی موردتوجه قرار گیرد. (کریمیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۱).

۵- عدم اعتقاد به مسئله ازدواج:

متأسفانه، در سال‌های اخیر شاهد نوعی نقصان در اعتقادات و تفکرات برخی از جوانان هستیم که در خصوص مسائل دینی و مذهبی و همچنین آداب و رسوم حاکم بر کشور سؤالات و ابهامات زیادی دارند. از طرف دیگر به دلیل اینکه بستر مناسب برای پاسخگویی به



ابهامات و سؤالات این جوانان فراهم نمی‌باشد، رسانه‌ها و منابع نوشتاری مختلف و با طرز تفکرهای گوناگون به دنبال پاسخگویی به این نیاز جوانان هستند. طبعاً به دلیل اینکه هیچ نظارت و کنترلی پیرامون اندیشه‌ها و عقاید در اختیار قرار داده شده از جانب این منابع به جوانان وجود ندارد، شاهد این موضوع هستیم که بسیاری از جوانان مسئله ازدواج را از لحاظ شرعی و حقوقی موضوعی اشتباه قلمداد کرده و انتخاب می‌نمایند که در بستر این مدل ازدواج، نیازهای عاطفی و زناشویی خود را مرتفع سازند. در همین خصوص لزوم توجه و نظارت بیشتر از جانب مراجع ذی‌ربط و همچنین روشنفکران دینی و اجتماعی دوچندان است تا بتوانند از نظر تفکرات حاکم بر جوانان تغییرات روبه‌مثبتی ایجاد نمایند. (محقق داماد، ۱۳۸۷: ۱۶۱).

۶- عدم مسئولیت‌پذیری و پذیرا بودن حدود و قواعد ازدواج رسمی

متأسفانه، به دلیل ضعف‌های فرهنگی و عدم تربیت جوانان به نحوی که قادر به پذیرش مسئولیت و تعهدات خود در قبال سایر افراد جامعه باشند شاهد این موضوع هستیم که جوانان از مقوله ازدواج رسمی به دلیل تعهدات و مسئولیت‌های مرتبط با آن شانه خالی می‌کنند و به دنبال این هستند که چارچوبی غیرالزام‌آور برای تعهدات و مسئولیت‌های مربوط به شریک زندگی‌شان را انتخاب نمایند. این چارچوب چیزی نیست جز ازدواج سفید که نه تنها این افراد را مسئولیت‌پذیر نمی‌کند؛ بلکه عادت به محول کردن مسئولیت‌ها و تعهدات خود به سایر افراد نیز می‌نماید. در این خصوص بایستی مباحث و تفکرات زیادی مطرح شود که در این فرصت و در این نوشتار نمی‌گنجد. (آزاد ارمکی، ۱۳۹۱: ۸۱).

13

متأسفانه، جوانانی که اقدام به انتخاب سبک زندگی همچون این نوع به اصطلاح هم‌باشی می‌نمایند از ابعاد مختلف و تبعات احتمالی این سبک زندگی غافل هستند و بدون اینکه معایب این سبک زندگی را در نظر بگیرند، صرفاً معطوف به مزایا و نکات مثبت آن می‌شوند. نکات مثبت و امتیازهایی که اگر به صورت ریشه‌یابی شده دیده شود، چه‌بسا دارای نقص و اشکالات زیادی نیز باشد.

۴- پیامدهای اجتماعی ازدواج سفید

جامعه‌شناسان این مسئله را کابوس بزرگی می‌دانند که رکن خانواده و جامعه اخلاق‌مدار ایران را تهدید می‌کند. آنها معتقدند که افزایش ازدواج سفید باعث کاهش آمار ازدواج رسمی و سست شدن نظام ارزشی می‌شود. از سوی دیگر افرادی که به این نوع هم‌زیستی می‌پردازند به دلیل قانونی نبودن در جامعه با محدودیت‌های فراوانی روبه‌رو می‌شوند. به‌عنوان مثال آنها هرگز نمی‌توانند به مسافرت بروند و در هتل بمانند و یا برای اجاره کردن خانه دچار چالش‌های فراوانی می‌شوند. آنها هم چنین از تسهیلاتی که به افراد متأهل در جامعه تعلق می‌گیرد بی‌بهره‌اند. (خلج آبادی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱).

از آن گذشته چون عرف وجود چنین هم‌زیستی را بر نمی‌تابد، آنها مجبور به پنهان کردن وضعیت زندگی خود در بین همسایه‌ها، دوستان و همکاران می‌شوند که حاصل این کار استرس فراوان و رنج‌بردن از فشار روانی بالا است. آن‌ها هم چنین درباره وضعیت موجود زندگی خود دچار سردرگمی می‌شوند؛ پاسخ به این سؤالات که آیا متأهل هستند یا مجرد؟ آیا بودن آنها کنار هم همیشگی است و یا احتمال دارد که یکی از طرفین به راحتی آن دیگری را ترک کند؛ بدون اینکه مسئولیتی درباره حقوق طرف مقابل بر ضمه داشته باشد؟ آیا هم‌زیستی آنها روزی به یک ازدواج دائم منتهی خواهد شد یا نه؟ آیا آنها می‌توانند با این وضع موجود، آرزوی داشتن فرزند را داشته باشند یا آرزوی داشتن فرزند را تا ابد باید در پستوی افکارشان دفن کنند؟ و ...



در واقع باید گفت؛ این هم زیستی افراد را در وضعیتی گنگ و ناپایدار قرار می‌دهد که هیچ‌کدام از دو نفر هرگز نمی‌توانند برای زندگی مشترکی که شروع کرده‌اند، فرجامی امیدوارکننده ترسیم کنند؛ چراکه حتی مطمئن نیستند فردایی که از پیش رو می‌آید یک بحث ساده، یک اختلاف نظر پیش‌پافتاده و یا یک دوست جدید به جدایی آنها نینجامد. (عبدی نیان و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۴).

ضربه‌ای که ازدواج سفید «چه از لحاظ جسمی و چه از لحاظ روحی» متوجه یک زن می‌سازد، به مراتب سخت‌تر و زیان‌بارتر از ضربه‌ای است که مردان را مبتلا می‌کند. مهم‌ترین خواسته یک زن از ازدواج، نیاز به داشتن یک تکیه‌گاه است. معیاری که آن قدر نقش پررنگی در زندگی او ایفا می‌کند که شاید بتواند نیاز به دوست‌داشتن و دوست داشته شدن را تحت تأثیر قرار دهد. داشتن یک تکیه‌گاه مطمئن در غم‌ها و ناملایمات، گذاشتن سر روی شانه‌ای که؛ بتواند وزن سنگین اشک‌هایش را تحمل کند و این آرامش خاطر را برای او به بار بیاورد که می‌تواند روی این شانه‌ها به‌عنوان مامن و ملجائی برای گریز از تمام سختی‌ها، به طول یک‌عمر حساب باز کند؛ مهم‌ترین نیاز یک زن در زندگی مشترک است. اما درباره ازدواج سفید موضوع وارونه است. زنی که با یک مرد هم‌زیستی غیرقانونی دارد، مدام دچار استرس و اضطراب است و در این میان اگر محبتی هم باشد در کنارش این دغدغه همواره ذهن، روح و قلب او را می‌آزارد که تکیه‌گاهی که برای خود انتخاب کرده، سست و غیرقابل اعتماد است. متأسفانه در این میان زنان بیشتر از مردان (هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ روحی) به طرف مقابل وابسته می‌شوند. اگر در نتیجه این هم‌زیستی زن باردار شود، پیامدهای دشوارتری متوجه او می‌شود؛ چراکه در اکثر موارد مردانی که به چنین هم‌باشی‌هایی روی می‌آورند، مردانی هستند که مسئولیت‌پذیر نیستند و با آگاهی از وضع به وجود آمده برای گریز از زیر بار مسئولیت بیشتر به راحتی زن را ترک می‌کنند؛ بدون اینکه حقوقی در قبال زن یا فرزند خود بر ضمه داشته باشند؛ «زیرا از لحاظ قانونی چنین رابطه‌ای زنا تلقی می‌شود و فرزند ناشی از آن فاقد مشروعیت قانونی است؛ چون نسبت فرزندی او با پدر قابل اثبات نیست.» و در این وضعیت نه از سوی خانواده‌پذیرش می‌شوند و نه دیگر جایگاه سابق را در اجتماع دارند و در نهایت به فردی مطرود و منزوی تبدیل می‌شوند که گاه برای تأمین هزینه‌های زندگی مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند و گاه به دلیل بحران روحی که متضرر آن شده‌اند رو به مواد مخدر و قرص‌های روان‌گردان می‌آورند. بدون هیچ هدف، برنامه و رؤیایی آواره خیابان‌ها و پارک‌ها می‌شوند و اگر خودکشی نکنند به تکدی‌گری می‌پردازند. (خلج آبادی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲).

14

یکی دیگر از پیامدهایی که ازدواج سفید دارد این است که رابطه میان زن و مرد زنا و یا نامشروع محسوب می‌شود در نتیجه طرفین مجازات می‌شوند و اگر از این رابطه فرزندی حاصل شده باشد، آن فرزند نامشروع است و از حقوقی همچون ارث از پدر و مادر محروم می‌شود. علاوه بر آن در بسیاری از مواقع زنان به آن دلیل که از بی‌آبرویی می‌ترسند تلاشی برای اثبات رابطه ابویت میان فرزند و پدر نمی‌کنند؛ لذا همان‌طور که گفتیم چنین زندگی مشترکی آسیب بزرگی به فرزندان وارد می‌کند و باعث می‌شود در اکثریت موارد از داشتن خانواده‌ای سالم محروم بماند. البته ناگفته نماند شاید به نظر برسد که ازدواج سفید مزایایی نیز دارد از جمله آن که در این شرایط بد اقتصادی که جوانان به دلیل مشکلات زیاد از ازدواج فراری هستند می‌توانند بدون داشتن تعهد و مسئولیتی وارد زندگی مشترک شوند؛ اما نباید فراموش کرد که تمام اینها صرفاً موقتی بوده و همین که تنوع‌طلبی آن‌ها ارضا شد به راحتی این رابطه را ترک خواهند کرد و به طرف دیگر آسیب‌های روحی و عاطفی وارد می‌شود. (نظافتی، ۱۳۹۶: ۲۸).

۴-۱- آسیب‌های اجتماعی ازدواج سفید

ازدواج سفید یکی از آسیب‌های اجتماعی در ایران است که به طور کامل برگرفته از فرهنگ غربی است این پدیده همان گونه که در اروپا و آمریکا برای خانواده مسئله‌ساز شده است در ایران هم به دنبال فروپاشی نظام خانواده است. (گرچی پشتی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۴). به نظر می‌رسد عدم اطلاع‌رسانی و توجه ویژه خانواده‌ها در خصوص تهدیدات و ویرانی‌های اجتماعی این پدیده شوم فرهنگی تبعات بسیار خطرناک و جبران‌ناپذیری در پی خواهد داشت. ازدواج سفید پدیده نامتعارف و ناآشنایی است که به تازگی در ایران نیز رواج یافته

است البته این پدیده نخستین بار در آمریکا و در پی جنبشی پدیدار شد که "جنبش آزادی زن" نام داشت. این جنبش ظاهراً باهدف ایجاد تغییراتی در نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه آمریکا انجام شد و هدف آن برقراری شرایط عادلانه و مساوی برای زنان بود. اما آنچه واقعاً اتفاق افتاد پدیده‌ای بود که بعدها "انقلاب جنسی" نام گرفت و نتیجه آن رواج رفتارهای ناپه‌نجان و بی‌بندوباری‌هایی بود که به غلط آزادی زنان نام گرفت. یکی از تبعات این اتفاق برقراری ارتباطاتی بود که خارج از ضوابط قانونی و معیارهای اخلاقی به وجود می‌آمد براین اساس ازدواج سفید هم یکی از همین روابط خارج از عرف و غیرقانونی بود که امروز متأسفانه شاهد نمونه‌هایی از آن در میان جوانانمان هستیم. در ازدواج سفید هیچ شرط قانونی و ثبت اداری وجود ندارد و زن و مرد در هر لحظه که بخواهند با هم هم‌خانه شده و هر لحظه که مایل نباشند از رابطه خارج می‌شوند که چنین شیوه‌ای از ارتباط با جنس مخالف نه تنها بر اساس معیارهای اخلاقی جامعه ما نیست؛ بلکه مخالف با نص صریح قرآن و احادیث مذهبی ماست که همواره جوانان را به پاک‌دامنی، خویشتن‌داری و ازدواج حقیقی تشویق می‌کند. (افراشته و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۷).

عواملی همچون تهاجم فرهنگی، کم‌رنگ شدن باورهای مذهبی و اخلاقی، ضعیف شدن پیوندهای خانوادگی، سنت‌های غلط ازدواج، هزینه‌های کمرشکن اقتصادی، تنوع‌طلبی جوانان، قوانین و شرایط دشوار و زائد عقد و طلاق باعث شده برخی از جوانان به این سمت گرایش پیدا کنند. تبعات این ازدواج‌های سفید برای بانوان بسیار فاجعه‌آمیز است؛ زیرا هیچ‌گونه تضمین و مسئولیتی در آن تعریف نشده است و مرد می‌تواند به دلخواه رابطه را برهم بزند و هیچ‌گونه ضرر و زبانی را تقبل نکند. در ازدواج سفید آنچه بسیار به چشم می‌آید احساس عدم امنیت روانی برای هر دو طرف و خصوصاً برای دختران و زنان است و از آنجاکه ساختار خلقت و شخصیت زنان بسیار هیجانی، لطیف و بر اساس ظرائف و پیچیدگی‌های خاص آن‌ها طراحی شده این‌گونه روابط تأثیر مخرب و فاجعه‌آمیزی بر ذهن و روان آن‌ها بر جای می‌گذارد. از سوی دیگر در چنین ارتباطاتی برای فرزندان و بارداری‌های احتمالی هیچ پیش‌بینی‌ای انجام نگرفته و همین امر خود بر میزان فرزندان و کودکان نامشروع، بی‌شناسنامه و بی‌آینده و همچنین بر آمار سقط‌های غیرقانونی و مرگ‌ومیر ناشی از آن می‌افزاید. در مجموع، ازدواج سفید میکروبی است که تنها موجب آلودگی ذهن مردان و نابودی شخصیت و حرمت زنان می‌شود. (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳: ۱۲۴).

15

۵- بررسی ازدواج سفید از لحاظ فقهی و حقوقی در نظام حقوقی ایران

ازدواج سفید از منظر قانون: در همه جوامع بشری از دیرباز موضوع روابط بین زن و مرد از مسائل اساسی و حیاتی بوده است. (رابطه نامشروع _ هم‌خانگی بدون ازدواج _ ازدواج _ سپید)؛ این برقراری رابطه متأثر از گزینه جنسی و احساس نیاز به فرزندآوری و تناسل در طول زمان و تحت تأثیر شرایط فرهنگی و جغرافیایی و تاریخی در تمدن‌های مختلف به شکل‌های گوناگون ظهور پیدا کرده است. اما امروزه در جوامع پیشرفته با تغییر در ساختار روابط اجتماعی، روابط بین زن و مرد نیز وارد مرحله جدیدی شده است که طی آن زن و مرد، به‌دوراز باید نیاید‌های قانونی و شرعی اقدام به هم‌باشی می‌نمایند و رابطه خود را تحت هیچ قانونی درج و ثبت نمی‌کنند. ازدواج سفید در واقع به معنی همزیستی و کام‌جویی جنسی زن و مرد از یکدیگر بدون ثبت قانونی و خارج از الزامات حقوقی و قواعد شرعی است. (رابطه نامشروع) (لشنی، ۱۳۹۷: ۶۸).

واکنش و برخورد جوامع گوناگون با این سبک از رابطه متأثر از بسترهای فرهنگی، جهان‌بینی و بینش مذهبی افراد آن جامعه است. همان‌طور که می‌بینیم در جوامع غربی پذیرش این سبک از رابطه با توجه به عدم ترویج اعتقادات مذهبی و عدم پایبندی به اصول اخلاقی با سهولت و سرعت بیشتری صورت گرفته است؛ اما در کشورهایی همچون ایران که فرهنگ غالب برگرفته از ریشه مذهبی و الهی است و مقام خانواده در افکار اذهان عمومی جایگاه والایی دارد برقرارکنندگان این سبک از روابط که در نظر قالب افکار عمومی

بی‌بندوباری محسوب می‌شود با چالش‌های گوناگونی درگیر هستند. علاوه بر اینکه اخلاق حسنه و افکار عمومی و باورهای مذهبی در کشور عزیزمان ایران این چنین روابط را بر نمی‌تابد قوانین مدون برگرفته از شرع مقدس اسلام نیز حمایتی از گونه نامأنوس و غیراخلاقی برقراری رابطه بین زوجین نمی‌نمایند تا جایی که این برقراری رابطه جرم شناخته شده و دارای مجازات است. (رابطه نامشروع) (منصوری، ۱۳۹۵: ۲۱۶).

آیا ازدواج سفید قانونی است؟ جواب سؤال بالا یک نه قاطعانه است! ازدواج سفید در ایران نه تنها قانونی نیست؛ بلکه شامل مجازات هم هست. بر اساس ماده ۴۹ در قانون حمایت از خانواده اگر مردی ازدواج دائمش را در یکی از دفاتر ثبت اسناد رسمی کشور ثبت نکند علاوه بر ملزم شدن برای ثبت ازدواج به پرداخت جریمه نقدی و حبس هم محکوم خواهد شد. همچنین اگر دو نفر اقدام به ازدواج سفید کنند رابطه‌شان از نظر قانون نامشروع و فعل حرام به حساب می‌آید و طبق ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی مجازات خواهند شد؛ بنابراین شما به عنوان یک خانم یا آقا، در ازدواج سفید هیچ‌گونه حق و حقوق قانونی ندارید و اگر آسیبی در این رابطه ببینید نمی‌توانید از حمایت قانون بهره‌مند شوید! (کریمیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۴).

در برخی کشورهای اروپایی و غربی ازدواج سفید به رسمیت شناخته می‌شود و زن و مرد بعد از شروع زندگی مشترکشان می‌توانند حق و حقوق قانونی برای این هم‌خانگی داشته باشند، هم زن هم مرد در ازدواج سفید در کشوری که این موضوع را پذیرفته شده است نسبت به زندگی مشترکشان، هزینه‌ها، فرزند حاصل از این ازدواج و خیلی موارد مهم دیگر متعهد و مسئول هستند، اما در ایران چنین مسئولیتی متوجه هیچ یک از طرفین نیست و اگر در این ازدواج فرزندی به دنیا بیاید طبق ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی نسب بین فرزند و پدر برقرار نمی‌شود و طفل به پدر خود منتسب نمی‌شود، اما نسب بین مادر و فرزند برقرار می‌شود و این یعنی فرزند دنیا آمده و تمام مسئولیت‌هایش روی دوش زن است بدون هیچ حق و حقوق قانونی و این فرزند حتی از پدر خود ارثی هم نمی‌برد هرچند در شرایط خاص می‌توانند برای او به نام پدر و مادر شناسنامه بگیرند. (مینوی، ۱۳۹۳: ۱۰۱). از موارد حقوقی این ازدواج و تفاوتش در ایران و سایر کشورها که بگذریم، این موضوع از لحاظ فرهنگی و اجتماعی هم در ایران پذیرفته شده نیست، و دو طرف به خصوص خانم ممکن است برچسب‌های مختلفی به‌خاطر پذیرش چنین ازدواجی بخورد و حتی مورد شتمات و سرزنش قرار گیرد! در صورتی که در غرب چنین دیدگاهی وجود ندارد و زن و مرد می‌توانند به راحتی از ازدواج سفیدشان نزد همه صحبت و آن را اعلام کنند. وقتی در غرب ازدواج سفید اتفاق می‌افتد دو نفر رسماً هم خانه می‌شوند، خانواده‌هایشان از نقل مکان آنها به خانه مشترک باخبر هستند و همه از ارتباط عاطفی آنها باخبرند، در ایران؛ اما نقل مکان به صورت رسمی اتفاق نمی‌افتد و اغلب پنهانی با یکدیگر زیر یک سقف وقت می‌گذارند. (افراشته و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۸).

بدیهی است، در این که هم‌باشی ازدواج نیست، تردیدی نیست و در فرضی که با رضایت دو طرف همراه با قصد واقعی آنان بتوان با جاری کردن صیغه عقد در قالب نکاح دائم قرارداد در صورت عدم ثبت آن در دفاتر اسناد رسمی، قانونی نیست و مطابق ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی برای زوج، مجازات تعزیری تا یک سال حبس، مقرر شده است و در ماده ۲۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ ثبت نکاح موقت در صورت باردارشدن زوجه یا توافق دو طرف در هنگام انعقاد نکاح موقت یا درج به صورت شرط ضمن عقد الزامی شده است؛ بنابراین، اگر افرادی صرفاً به صورت توافق این نوع زندگی مشترک را انتخاب کنند، چنین توافقی برخلاف نظم عمومی، اخلاق حسنه و نامشروع است که از حیث ارتکاب عمل نامشروع و فعل حرام مطابق ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی قابل تعقیب و مجازات خواهند بود و فرزند حاصل از آن نامشروع تعریف می‌شود که از حقوق اجتماعی از جمله تحصیل و شناسنامه محروم خواهد بود و از والدین طبیعی خود ارثی نخواهند برد و همسرش مستحق دریافت نفقه نخواهد بود و نباید انتظار داشت قانون برای هر ناهنجاری، یک لباس قانونی بپوشاند و در این زمینه، خلأ قانونی نداریم. (قتبریان، ۱۳۹۶: ۷۹).

از لحاظ قانونی ازدواج متعه پیش‌بینی شده است. از دیدگاه فقها مخصوصاً آیت‌الله مکارم شیرازی اصل بر این است که این ازدواج حکم زنا را دارد که هم خانه شدن بدون ازدواج رسمی، از نظر دینی هیچ فرقی با زنا ندارد و به‌هیچ‌عنوان نمی‌توان خصیصه‌های ازدواج را در آن یافت و با توجه به اینکه دروغ بستن بر دین گناهی بسیار سنگین‌تر از زنا است، به‌شدت توصیه می‌کنیم کسانی که مایل به این گناه هستند، هرگز در صدد توجیه آن بر نیایند و سعی کنند خود را از هموارکننده بودن مسیر این گناه کنار بکشند، تا در گناه دیگران نیز شریک نشوند. یک عامل مهم دیگری که نظام حقوقی ایران به آن توجه نموده، این است که با این شیوه قانون خانواده و شرایط حاکم بر آن دور زده می‌شود این مسئله برای افرادی که ازدواج کرده‌اند سپس طلاق می‌گیرند، اهمیت بیشتری دارد. (مکارم، ۱۳۷۲:۲۴۶).

در ساختار اغلب خانواده‌ها و بر اساس حقوق موجود، مرد رئیس خانواده است، هرچند از این جمله می‌توان برداشت‌های گوناگون کرد، ولی برخی از مردان با وضعیتی که در خانه ایجاد می‌کنند، به‌نوعی شیوه سلطه بر زن را برمی‌گزینند، و برخی از خانم‌ها هم که نمی‌خواهند چنین سلطه‌ای را بپذیرا شوند، اقدام به طلاق می‌کنند، و پس از طلاق حاضر می‌شوند بدون رابطه حقوقی رسمی دائمی و فقط در قالب صیغه با یکدیگر و در زیر یک سقف زندگی کنند و تسلط مرد را نپذیرند طبیعی است که در این شرایط مرد قدرت ناشی از ریاست خانواده را در اختیار ندارد. پس در ازدواجی که زن و مرد عمدتاً بدون هرگونه قیودات شرعی و ثبت قانونی تن به رابطه دهند این نوع رابطه نه شرعی، نه عرفی و نه قانونی به حساب می‌آید و اساساً نام ازدواج نمی‌توان بر آن نهاد و یک رابطه غیرشرعی است که قانون از آن و فرزند حاصل از آن هیچ حمایتی نمی‌کند. در چنین حالتی رابطه نسبی و سببی بین زن و مرد و فرزند حاصل از رابطه وجود ندارد و طبیعتاً فرزند شناسنامه‌ای بدون نام پدر و مادر خواهد داشت و نسب خود را تنها از خاندان مادری می‌گیرد. (رحمت آبادی و همکاران، ۱۳۹۶:۷۱).

17

در ماده ۲۱ قانون حمایت از خانواده از محوریت نکاح دائم در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در جهت محوریت و استواری روابط خانوادگی یادشده و مورد حمایت قرار گرفته است، اما نکاح موقت را تابعی از موازین شرعی و مقررات قانون مدنی ذکر نموده و ثبت آن را در سه مورد؛ باردارشدن زوجه، توافق طرفین و شرط ضمن عقد الزامی دانسته است. این الزام متوجه زوج بوده و در خارج از موارد مزبور، ولو با تحقق ازدواج موقت - ثبت آن الزامی محسوب نخواهد شد؛ بنابراین تکالیف آن وقتی الزامی می‌شود که یکی از موارد یاد شده بر آن مترتب باشد. (طاهری، ۱۳۹۲:۹۴). اما در مورد خانواده سفید هیچ‌کدام از شرایط فوق تحقق پیدا نکرده یا در صورت پیدا کردن تحقق برخی از آنها نامشخص و مبهم است. چنین رابطه‌ای زنا تلقی می‌شود و فرزند ناشی از آن فاقد مشروعیت قانونی است، چون نسبت فرزندی او با پدر قابل اثبات نیست، بنابراین فرزندان متولد از ازدواج سفید یا خانواده‌های سفید از نظر حقوقی و نسبی در صورت عدم سرپرستی والدین نامشروع آنها، فاقد پشتوانه خواهند بود. در چنین مواردی اغلب زن به‌خاطر پرهیز از بی‌آبرویی به دنبال اثبات رابطه ابویت فرزند و والد نمی‌رود و حتی اگر ادعا کند که صیغه بوده است، در صورت انکار مرد، ادعای زن، به‌خاطر ثبت نبودن، قابل اثبات نیست. بارداری‌های ناخواسته و عوارض بهداشتی ناشی از سقط‌جنین غیرقانونی از تبعات دیگر ازدواج سفید است. از نظر نسب و سبب‌های زوجیت و ولاء موجبات ارث هستند و هرگاه این عوامل بین اشخاصی ایجاد شود، اشخاص از یکدیگر ارث می‌برند. اشخاصی که به‌موجب نسب ارث می‌برند، عبارت از سه‌طبقه پدر، مادر، فرزندان و فرزندان فرزندان، اجداد، برادر، خواهر، فرزندان آنها و عموها، عمه‌ها، دایی‌ها، خاله‌ها و فرزندان آنها هستند. (لشنی، ۱۳۹۷:۶۹).

حال در ازدواج‌های غیررسمی وضعیت ارث فرزندان متولد شده از این روابط و همچنین وضعیت ارث‌بردن زوجین از همدیگر مشخص نیست و قانون باید وضعیت آن را روشن کند. در این میان در این شیوه فرزندان بی‌پدر و بی‌خانواده‌ای باقی می‌مانند که نه آن‌ها از والدین ارث می‌برند و نه والدین از آن‌ها. گرچه سایر حقوق این کودکان چون بقیه کودکان است، اما معمولاً کسی حضانت آنان را بر عهده نمی‌گیرد، مگر اینکه یک پروسه پیچیده قانونی طی شود. در این موارد سپردن حضانت به مادر محتمل‌تر است و زن چه از نظر روانی و چه از نظر حقوقی شکست‌خورده و بلا تکلیف باقی می‌ماند. (قنبریان، ۱۳۹۶:۸۱).



فرزند حاصل از ازدواج سفید: طبق قانون جمهوری اسلامی ایران چنانچه از رابطه غیرقانونی و غیرشرعی و در واقع رابطه‌ای بدون ازدواج فرزندی متولد شود این فرزند نامشروع است. (رابطه نامشروع)

۵-۱- مجازات قانونی ازدواج سفید

رابطه نامشروع برای هر طرف مجازات دارد و در صورتی هم که زنا ثابت شود ۹۹ ضربه شلاق به‌عنوان مجازات قانونی در نظر گرفته می‌شود، همچنین در صورتی که یکی از طرفین ازدواج کرده باشد به‌عنوان زنا محصنه مجازات مخصوص خود را دارد. (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۲۱). بر اساس قانون اگر مرد مجرد با زن شوهردار زنا کند، حد زن رجم است؛ اما حد مرد تازیانه است؛ چون زنا در حق مرد زنا غیر محصنه است و نیز اگر دختر مجردی با مردی که همسر دارد زنا کند. تنها مرد را سنگسار می‌کنند و بر زن تازیانه می‌زنند. با وجود این اگر زن یا شوهر، دور از شهر سکونت همسرش باشند و اقدام به این کار نامشروع کرده باشند، رجم اجرا می‌شود. تسهیل‌کننده رابطه غیرشرعی قابل تعقیب و مجازات است (مینوی، ۱۳۹۳: ۵۷).

آیا فردی که به دو نفر با انتخاب ازدواج سفید خانه‌ای را اجازه می‌دهد، مجرم است یا نه؟

18 در قانون اجازه دادن ملک به اشخاص جرم نیست؛ اما در صورتی که کسی با نوعی برنامه‌ریزی و به‌صورت سازمان‌یافته محلی را برای برقراری رابطه جنسی غیرقانونی و غیرشرعی اجازه دهد، آن شخص به‌عنوان دلال یا تسهیل‌کننده رابطه غیرشرعی قابل تعقیب است و مجازات خواهد شد. اینکه دو نفر مراجعه کنند و چیزی نگویند یا حقیقت را کتمان کنند، هیچ تکلیفی متوجه صاحب‌خانه نیست، متأسفانه پدیده خانه مجردی آن‌قدر رواج پیدا کرده که بسیاری از خانه‌ها در ایران به یک فرد اجازه داده می‌شود و آن فرد روابطی را برقرار می‌کند و در این میان نه صاحب‌خانه میلی به سلب امتیاز کسب درآمد و نه آن فرد الزامی به گفتن حقیقت دارد. (گرجی پشته و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۸).

۵-۲- پیامدهای حقوقی ازدواج سفید

در این سبک از ازدواج رابطه زن و مرد زنا تلقی شده و فرزند حاصل از آن مشروعیت قانونی نخواهد داشت، به این دلیل که نسبت فرزندی کودک با پدر قابل اثبات نیست. در این‌گونه موارد بیشتر زن به دلیل پرهیز از بی‌آبرویی در پی اثبات رابطه ابویت فرزند و والد نرفته و حتی در صورتی که مدعی شود که صیغه بوده است، با وجود انکار مرد ادعای وی به دلیل ثبت‌نشدن قابل اثبات نمی‌باشد. در این بین فرزندان بی‌پدر و بی‌خانواده‌ای وارد جامعه می‌شوند که نه آنها از والدین ارث خواهند برد و نه والدین از ایشان. هرچند که سایر حقوق این کودکان مانند مابقی کودکان بوده، ولی به طور معمول کسی حضانت آنان را بر عهده نخواهد گرفت، جز آنکه یک فرایند پیچیده قانونی سپری شود. در این شرایط واگذاری حضانت به مادر بیشتر است و زن چه به لحاظ روانی و چه به لحاظ حقوقی شکست می‌خورد و وضعیت مشخصی نخواهد داشت. (منصوری، ۱۳۹۵: ۲۲۱).

- تکلیف فرزندان در ازدواج سفید: در عقد ازدواج رسمی با متولد شدن فرزند روابط حقوقی، مالی و غیرمالی بسیاری میان پدر و مادر و فرزند صورت می‌گیرد. ولی در ازدواج سفید این مسئله کمی متفاوت خواهد بود. با در نظر گرفتن اینکه در ازدواج سفید عملاً ازدواج به طریق قانونی صورت نمی‌گیرد رابطه زوجیت هم مشروع و قانونی نبوده و هر فرزندی که از این رابطه متولد گردد حکم زنازاده خواهد داشت و به فرزندی که حاصل ازدواج مشروع و نکاح رسمی نیست اصطلاحاً به فرزند طبیعی معروف



است. بر اساس ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی کوک متولد از زنا ملحق به زانی نمی‌گردد. نکته مهمی که وجود دارد این است که اغلب فرزندان حاصل از سبک زندگی هم خانگی «سقط» می‌شوند.

- **نسب به فرزند در ازدواج سفید:** نسب فرزندان مشترک میان فرزند و پدر طبیعی در ازدواج سفید منتسب نمی‌گردد و صورت نمی‌گیرد، ولی نسب میان مادر و فرزند برقرار می‌گردد.

- **ارث فرزند:** در ازدواج سفید، همان گونه که بیان شد، نسب میان پدر و فرزند صورت نمی‌گیرد و با در نظر داشتن مطالب فوق که علت ارث را بیان کردیم: ۱. نسب ۲. سبب فرزند طبیعی نسبت به پدر هیچ یک از مبانی ارث را نخواهد داشت؛ بنابراین نه پدر از فرزند ارث می‌برد و نه فرزند از پدر ارث خواهد برد. وای در رابطه با مادر، فرزند از نظر نسب به مادر منتسب می‌گردد و هم مادر از فرزند ارث برده و هم فرزند از مادر ارث خواهد برد.

- **نفقه و هزینه‌های فرزند:** در نکاح دائم، تمام هزینه‌های مالی زندگی کودک تا سنین معینی منوط به جنسیت کودک با پدر خواهد بود؛ ولی در ازدواج سفید، پدر هیچ وظیفه قانونی به منظور پرداخت هزینه‌های فرزند خود نخواهد داشت. در حقیقت هزینه‌های زندگی کودک کاملاً برعهده مادر او خواهد بود.

- **اختیارات و تصمیم‌گیری برای فرزند:** با در نظر گرفتن این موضوع که پدر طبیعی بچه، تعهد و مسئولیت قانونی در قبال کودک خود ندارد، اختیاراتی اعم از حق حضانت، ولایت، اجازه جهت ازدواج دختر و... هم برای پدر طبیعی متصور نخواهد بود. (لشنی، ۱۳۹۷: ۷۱).

19

۵-۳- تفاوت نظام حقوقی ایران و غرب در مورد ازدواج سفید

در این نوع ازدواج در غرب فردی که خارج از قرارداد ازدواج والدینش به دنیا می‌آید از همه حقوق اجتماعی مثل دیگران برخوردار می‌شود. تی برای بچه‌های زوج‌های همجنس‌گرا هم این حقوق یکسان است و هیچ تفاوتی وجود ندارد، هر چند باید گفت قوانین حقوقی همیشه هم به نفع این بچه‌ها نیستند. در حالی که وقتی به ایران نگاه می‌کنیم می‌بینیم که همان بچه‌هایی که در چارچوب قانون هم به دنیا می‌آیند از حقوق اولیه‌شان محروم هستند و در چنین شرایطی فردی که فراتر از قانون جاری عمل می‌کند و با ازدواج سفید یک زندگی مشترک غیررسمی را شروع می‌کند، طبیعتاً تبعات گریزناپذیر و تلخی هم در انتظارش است. به جز اینکه بعد از اطلاع دستگاه قانونی دینی و جامعه سنتی، مجازات خواهد شد، حتی اگر بچه‌ای هم به دنیا بیاورد و چه خواسته و چه ناخواسته نطفه‌ای تشکیل شود، دچار دردسرهای فراوان خواهد شد. (طاهری، ۱۳۹۲: ۹۸). از سویی دیگر باید گفت که در جمهوری اسلامی ایران، تنها ازدواج‌هایی به رسمیت شناخته می‌شوند که در دفاتر ازدواج ثبت شوند. در این نوع ازدواج‌ها تکالیف دو طرف مشخص است و هر اتفاقی که پس از ازدواج بیفتد قانون مسئولیت دو طرف را مشخص کرده است. همچنین در صورت بروز اختلاف یا موارد جرم با مراجعه به قانون می‌توان مسئله را پیگیری و حل کرد، اما در قانون جمهوری اسلامی به تبع دین اسلام، ازدواج سفید به رسمیت شناخته نشده و جرم محسوب می‌شود. طبیعتاً وقتی قانون اصل این ازدواج را جرم می‌داند هیچ‌گاه مسئولیت پیگیری تبعات آن را بر عهده نمی‌گیرد و با تبعات آن نیز همانند جرم برخورد می‌کند. (مینوی، ۱۳۹۳: ۶۱).

در جمهوری اسلامی ایران، تنها ازدواج‌هایی به رسمیت شناخته می‌شوند که در دفاتر ازدواج ثبت شوند. در این نوع ازدواج‌ها تکالیف دو طرف مشخص است و هر اتفاقی که پس از ازدواج بیفتد قانون مسئولیت دو طرف را مشخص کرده است. همچنین در صورت بروز اختلاف یا موارد جرم با مراجعه به قانون می‌توان مسئله را پیگیری و حل کرد، اما در قانون جمهوری اسلامی به تبع دین اسلام، ازدواج سفید به رسمیت شناخته نشده و جرم محسوب می‌شود. طبیعتاً وقتی قانون اصل این ازدواج را جرم می‌داند، هیچ‌گاه مسئولیت پیگیری تبعات آن را بر عهده نمی‌گیرد و با تبعات آن نیز همانند جرم برخورد می‌کند.



نتیجه گیری

در نظام حقوقی و فقهی ایران ازدواج سفید به دلیل عدم ثبت شرعی و عدم مسئولیت حقوقی و عدم مشروعیت فقهی این نوع رابطه و همچنین بارداری‌های ناخواسته و عوارض بهداشتی، غیرقانونی است. ازدواج سفید که معادل هم‌خانگی یا زندگی مشترک بدون ازدواج است، از شیوه‌های رایج در غرب بوده که در نقاط متعدد جهان نیز در حال گسترش است و به‌هیچ‌وجه با آموزه‌های دینی و فرهنگی جامعه اسلامی همخوانی ندارد. از جمله علل روی آوردن جوانان به این نوع به‌اصطلاح ازدواج، مشکلات اقتصادی و ناامنی شغلی، پذیرش آموزه‌های فمینیسمی، گسترش روابط آزاد جنسی، گسترش سکونت انفرادی، عدم پذیرش تعهد و مسئولیت‌پذیری از عوامل مهمی است که در پیدایش الگوی ازدواج سفید دخالت دارند.

20 در ازدواج سفید اصل مشروعیت در زندگی، قانون، اصل آینده‌نگری، اصل اخلاق، اصل انسانیت و حریت نادیده گرفته شده و افراد با بسیاری از مشکلات دست‌وپنجه نرم می‌کنند و با به‌وجود آمدن مشکلات اصلی، فشارهای روانی افراد افزایش می‌یابد، حریم و حرمت افراد خدشه‌دار می‌شود، زمینه رشد معنوی و کمالات انسانی فراهم نمی‌شود، بسیاری از افراد بی‌مسئولیت شده و از فواید ازدواج پاک محروم می‌مانند و اینجاست که تفاوت فاحش میان ازدواج شرعی و ازدواج بی‌پایه‌و‌اساس، روشن می‌شود. این پدیده آثار مخرب خانوادگی نظیر افول ازدواج، فروپاشی نهاد خانواده را نیز در پی دارد. دین مقدس اسلام در وهله اول ازدواج دائم که بر اساس آن، خانواده‌ای تشکیل می‌شود و به‌عنوان یک بنیاد پایدار اجتماعی به شمار می‌آید و در مرحله بعد ازدواج موقت را برای کسانی که امکان ازدواج دائم ندارند، مطرح می‌کند که از آن در فرهنگ اسلامی به صیغه موقت هم تعبیر می‌شود و بر پایه آن رابطه زناشویی موقتی با مدت و مهریه مشخص و با یکسری تعهدات معین شرعی و قانونی طی مدتی معلوم بر افراد بار می‌کند که هر دو طرف تابع آن هستند و تبعات ازدواج سفید را نیز از هر لحاظ نخواهد داشت و این را بهترین راه‌حل و جایگزین این نوع الگوی ازدواج می‌داند. عدم آگاهی از تعریف صحیح نکاح موقت و ماهیت آن، موجب مشکلات فراوانی شده است.

ازدواج سفید به‌عنوان شکلی از روابط و به‌نوعی تشکیل خانواده به سبک جدید از سایر جوامع خصوصاً کشورهای غربی وارد ایران شده و محصول الگوهای خانواده در چند دهه‌ی اخیر است. این شکل خانواده در جامعه‌ی ایران محصول تحولات اجتماعی در حال گذار جامعه‌ی ایران است. باتوجه‌به نتایج به‌دست‌آمده در این پژوهش، از طریق مصاحبه با افراد می‌توان بیان داشت که اکثریت افراد خصوصاً آنهایی که تجربه‌ی زیسته‌ی این نوعی زندگی را داشته‌اند، همه افراد به‌نوعی با این نوع زندگی، یک پیش‌زمینه‌ی قبلی داشته و از طریق رسانه‌ها و ارتباط با سایر دوستان و آشنایانی که در خارج از کشور زندگی می‌کنند، با این سبک زندگی آشنا شدند. از آنجایی که این سبک زندگی با فرهنگ و عقاید مذهبی و دینی ما در تعارض است، چندان از سوی خانواده‌ها مورد پذیرش قرار نگرفته است؛ بنابراین می‌توان بیان داشت که جوامع در گذار از سنت به مدرنیته همواره دچار تغییرات و تحولات شده و به‌نوعی سعی می‌کنند از طریق ارتباط با جوامع دیگر و نوآوری‌های آنها در جهت رفع نیازهای خود استفاده کنند؛ ولی بخش دیگری از جوامع که کمتر توسعه‌یافته است و میزان ارتباط کمتری با سایر جوامع دارد، همواره سعی می‌کند بر اساس باورهای رایج در فرهنگ خود در جهت پذیرش و عدم پذیرش نوآوری‌های جامعه گام بر دارد.



باتوجه به این که اکثر والدین دیدگاه سنتی و مذهبی دارند، بنابراین میزان پذیرش ازدواج سفید در بین آنها پایین است. والدین به علت پایبندی به فرهنگ سنتی و دینی شیوه‌های جدید تشکیل خانواده را قبول نداشته و فقط به شیوه‌ی سنتی و رسمی معتقد هستند. جهانی شدن و گسترش میزان استفاده از رسانه‌ی جمعی و فضای مجازی، تحولاتی را در زندگی جوانان ایجاد و آنان را از رعایت بسیاری از آداب و رسوم جامعه رها کرده است و به نوعی گسترش فردگرایی در جامعه باعث توجه بیشتر افراد به نیازها و خواسته‌های شخصی افراد در مقابل خواسته‌های اطرافیان شده است. از آنجایی که ازدواج رسمی و تشکیل خانواده مجموعه‌ای از مسئولیت‌ها را بر زوجین تحمیل می‌کند که تا حدودی آزادی عمل را از آنان سلب می‌کند و به نوعی باعث نادیده گرفتن خواسته‌های فردی افراد می‌گردد که این امر با نگرش‌های جوانان در جامعه‌ی امروز چندان سازگار نبوده و به همین دلیل به دنبال سبک‌های جدید زندگی که اهمیت فردگرایی در آن بیشتر باشد، هستند؛ چراکه ازدواج سفید شکلی از رابطه‌ی دختر و پسر بوده که مشابه ازدواج رسمی است و در آن به خواسته‌های فردی و ارضای نیازهای فردی و روحی و روانی توجه می‌شود. با وجود این که ازدواج سفید شکلی از رابطه است که جوانان به خواست خود آن را انتخاب می‌کنند، ولی بعضی از افراد از آشکار شدن رابطه‌ی خود در بین خانواده و جامعه وحشت داشته و خواهان آن بودند که روزی بتوانند زندگی رسمی که متناسب با آداب و رسوم جامعه است، آغاز کنند. در حالی که عده‌ای دیگر اصلاً تمایلی به رسمی شدن رابطه نداشته و رسمیت را باعث پایبندی به آداب و رسوم سخت و دست‌وپاگیر می‌دانند؛ بنابراین می‌توان بیان داشت که جوامع در فرایند گذار و رشد و تکامل از مرحله‌ی ابتدایی به پیشرفته، مراحل مختلفی را پشت سر می‌گذارند که در هر منطقه باتوجه به تجاربشان که همان فرهنگ و آداب و رسوم است، تغییراتی را با سرعت متفاوت مورد پذیرش و یا رد قرار می‌دهند که این میزان تغییرات بر حسب رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی جامعه و میزان ارتباط آنها با جوامع دیگر و میزان استفاده آنها با رسانه‌های مختلف و ارتباط با افراد خارج از فرهنگ بومی است. جوانان امروز دیگر خود را پایبند سنت‌ها و آداب و رسوم جامعه خود نمی‌دانند و به نوعی خواهان روابط آزاد و در پی پاسخگویی به نیازهای غریزی خود، بدون هیچ قید و بندی هستند و از آنجاکه در این شیوه‌ی زندگی بر خلاف ازدواج رسمی، تأمین هزینه‌های زندگی با مرد خانواده نیست و زوجین به صورت توافقی هزینه‌های زندگی را تأمین می‌کنند.

در حال حاضر نیاز داریم که در سیاست‌گذاری‌هایمان روی حل مسئله‌ی اقتصادی تمرکز کنیم. با حل مشکل اشتغال می‌توان مسئله‌ی ازدواج را حل کرد؛ اما متأسفانه در برخی لوایح و قوانینی که در مجلس شورای اسلامی در دست بررسی است، برعکس عمل می‌شود؛ یعنی شرط اشتغال را ازدواج قرار می‌دهند و گفته می‌شود ازدواج و فرصت‌های شغلی باید برای افراد متأهل فراهم شود. در حالی که خود این افراد وقتی برای ازدواج مراجعه می‌کنند به آنها گفته می‌شود که باید شغل مناسبی داشته باشند. در نتیجه باید تلاش کنیم در چارچوب‌های فرهنگی و اجتماعی خودمان نسبت به حل این مسئله اقدام کنیم.

در جامعه ایران به دلیل غیرشرعی بودن ازدواج سفید و با تأکید بر ماده ۱۰ قانون اساسی مبتنی بر تسهیل ازدواج اخلاقی و اسلامی از ازدواج سفید جرم‌زدایی شده است. از این‌رو زوجینی که ازدواج سفید را برگزیده‌اند، تحت عنوان روابط نامشروع و عدم ثبت ازدواج به حبس و شلاق و جریمه مالی محکوم خواهند شد. حق نفقه، ارث، حضانت فرزندان و... برای این زوجین تعریف نشده است و در این میان اگر فرزندی به دنیا آید، بر اساس ماده ۸۸۴ قانون مدنی «ولد زنا» محسوب می‌شود و از ارث محروم است؛ بنابراین فرزندان که در روابط هم‌خانگی به دنیا می‌آیند از ارث محروم هستند. ضروری است در اینجا دو نکته بیان شود. در هیچ بخش قرآن از این موضوع بحثی به میان نیامده است و تنها زنان و مردان زناکار سرزنش و از برخی حقوق اجتماعی محروم شده‌اند. در قانون ایران ولدزنا می‌تواند شناسنامه دریافت کند و زمانی که شناسنامه دریافت کند، یک شهروند ایرانی محسوب می‌شود و از حقوق شهروندی برخوردار است. از سوی دیگر در اصل بیستم قانون اساسی، تمامی افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت از قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.



ازدواج سفید در بستر حریم خصوصی صورت می‌گیرد. در صورت پنهان کردن آن توسط افراد نمی‌توان بدون دلایل متقن قضایی آن را آشکار ساخت و تحت پیگرد قرار داد؛ بنابراین در صورتی که در این‌گونه روابط جرمی صورت پذیرد، باید فارغ از جرم روابط هم‌خانگی به علت حریم خصوصی بودن و اظهارنشدن آن از سمت طرفین، در خصوص تعرض و جرم صورت‌گرفته نیز کیفرخواست تنظیم شود. حریم خصوصی را می‌توان قلمرویی از زندگی هر شخص دانست که تمایل ندارد افراد دیگر بدون اذن و رضایت او وارد آن محدوده شوند یا تحت کنترل و نظارت دیگران قرار گیرند. در اصول ۲۲، ۲۳ و ۲۵ قانون اساسی نیز هرگونه تجاوز و تعدی به حریم خصوصی افراد ممنوع شده است.

در ماده ۲۴ قانون آئین دادرسی کیفری هم تفتیش خانه‌ها، اماکن، اشیا و جلب اشخاص در جرایم غیرمشهود منوط به اجازه مخصوص مقام قضایی دانسته شده است. همچنین در روز بیست و چهارم آذرماه سال ۱۳۶۱ش، امام خمینی فرمانی هشت‌ماده‌ای خطاب به قوه قضائیه و ارگان‌های اجرایی کشور صادر کرد که «منشور کرامت انسان» نام‌گرفته است. در تمامی مواد این فرمان به محترم شمردن حقوق افراد و رعایت ضوابط قانونی در برخورد با حقوق شرعی و مدنی تأکید می‌شود؛ بنابراین، تجسس و نقض حریم از دیدگاه حقوقی درست نیست و مصداق نقض قوانین و اصول قانون اساسی است. از آنجاکه ازدواج سفید در بستر حریم خصوصی اتفاق می‌افتد، شاهد ندارد و آشکار نیست. پس بر مبنای مواد حریم شخصی و بند ششم منشور هشت‌ماده‌ای حق شهروندی نمی‌توان آن را تحت پیگرد قانونی قرار داد؛ بنابراین زنان یا افرادی که به آنها تعرض می‌شود، بدون توجه به وقایع حریم خصوصی باید تحت حمایت قضایی قرار گیرند.

براین‌اساس راهکارهای ذیل، پیشنهاد می‌گردد:

۱. کاهش نابرابری‌های اقتصادی و فرهنگی و سیاسی در جامعه که نیازمند عزم جدی مسئولان در سطح کلان و بازنگری در سیاست‌های شغلی، کارآفرینی واقعی است.
۲. ترویج بیشتر اعتقادات دینی و مذهبی در جامعه از طریق برگزاری همایش‌هایی در زمینه‌ی ترویج فرهنگ ایرانی و اسلامی به شکلی جذاب و امروزی برای جوانان؛ تا از این طریق میزان گرایش به سبک زندگی خارجی را کاهش دهند. دین به‌عنوان یک عامل اصلی و تعیین‌کننده در امر ازدواج و روابط دختر و پسر، آداب و رسوم را مشخص نموده که رعایت آنان باعث تحکیم بیشتر روابط دختر و پسر و در نتیجه تحکیم بنیان خانواده می‌گردد.
۳. توجه بیشتر خانواده‌ها بر زندگی و آینده‌ی فرزندان و راهنمایی لازم در زمینه‌ی رعایت حدود و نوع روابط دختران و پسران با یکدیگر باعث کاهش میزان ازدواج غیررسمی می‌گردد.
۴. کاهش رسومات دست‌وپاگیر مربوط به مراسم ازدواج از قبیل (مهریه، خرید وسایل عروسی و تالار و...) که این رسومات هزینه اقتصادی بالایی را به همراه دارد؛ بنابراین با ترویج فرهنگ ازدواج آسان و پرهیز از هزینه‌های سنگین تشریفاتی، می‌توان تمایل جوانان را به ازدواج رسمی و قانونی افزایش داد.
۵. استفاده از برنامه‌های جذاب و باکیفیت رسانه‌ی ملی در زمینه‌ی تشویق بیشتر جوانان به تشکیل خانواده به‌صورت رسمی و قانونی؛ تا از این طریق میزان الگوپذیری از فرهنگ بیگانه در خصوص روابط آزادانه‌ی دختر و پسر کاهش یابد.



منابع و مراجع:

۱. احمدی، کامیل (۱۳۹۷) خانه‌ای با در باز، پژوهشی جامع در باب ازدواج سفید در ایران. ذخیره شده در پایگاه اطلاع‌رسانی ایشان به نشانه: Kameelahmady.com
۲. ارجمند دانش، جعفر؛ آیتی، سید محمدرضا؛ عربیان، اصغر (۱۳۹۷) ماهیت، مشروعیت و آثار ازدواج سفید، فصلنامه علمی، پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی سال یازدهم، شماره ۴
۳. آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۹۱) جامعه‌شناسی خانواده ایرانی. تهران، انتشارات سمت.
۴. آزاد ارمکی، تقی، شریفی ساعی، محمدحسین، ایثاری، مریم؛ طالبی، سحر. (۱۳۹۱) هم‌خانگی؛ پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران. جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، (۱)، ۲۹-۷۷.
۵. افراشته، مهری؛ فرمان‌فرمایی، تکتم (۱۳۹۶) شناسایی عوامل نفوذ فرهنگی در تمایل افراد به نوع جدید زندگی زوجین، مجله مدیریت فرهنگی، سال یازدهم، شماره ۳۷
۶. چراغچی کوتیانی، اسماعیل (۱۳۹۳) خانواده، اسلام و فمینیسم: تبیین رویکرد اسلام و فمینیسم به کارکردهای خانواده، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۷. خلیج آبادی فراهانی، فریده؛ امیرهوشنگ، مهریار (۱۳۹۸) بررسی نقش خانواده در ارتباطات با جنس مخالف قبل از ازدواج در دختران دانشجو در تهران. فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال ششم، شماره ۲۲
۸. رحمت‌آبادی، اعظم؛ کاریزی، الهام (۱۳۹۶) ازدواج سفید؛ پیامدها و خطرات. دوفصلنامه علمی - اختصاصی مطالعات اسلامی میراث طاهها، پاییز و زمستان، شماره اول
۹. طاهری، حبیب‌الله (۱۳۹۲) سیری در مسائل خانواده، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل (وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی)
۱۰. عبدی نیان، افروز؛ بتول علامت ساز (۱۳۹۸) ازدواج سفید و پیامدهای آن در کشور ایران. مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی. ۲ (۱۱)
۱۱. قنبریان، مهدی (۱۳۹۶) بررسی ازدواج سفید در نظام حقوقی ایران و غرب. مطالعات حقوقی، شماره هفدهم.
۱۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷) حقوق مدنی خانواده، تهران، انتشارات بهمن برنا.
۱۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵) دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی: «قرارداد - ایقاع» تهران: شرکت سهامی انتشار
۱۴. کریمیان، نادر، سالاری، سمانه؛ ملکاری، بختیار. (۱۳۹۲). رابطه هم‌خانگی در ایران: بررسی کیفی علل و انگیزه‌های گرایش به آن. فصلنامه مطالعات روان‌شناسی، سال ششم، (۲۱)، ۱۷۰-۲۰۰.



۱۵. گرجی پشته، مرضیه؛ منصور لکوج، محمدهادی؛ دلیری، سعید سام (۱۳۹۸) تحلیل توصیفی درباره خانواده، ازدواج رسمی و ازدواج (زیر یک سقف یا سفید) در ایران، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال یازدهم، شماره چهل و دو.
۱۶. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳) جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی
۱۷. لشنی، موسی (۱۳۹۷) بازپژوهی فقهی ازدواج سفید، دوفصلنامه گفتمان اصول و فقه، سال سوم
۱۸. محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۷) بررسی تطبیقی حقوق خانواده، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ سیزدهم.
۱۹. محمدی اصل، عباس . (۱۳۹۳) جنسیت و ازدواج سفید. ماهنامه گزارش ۲۶۳: ۱۸-۲۰.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۲) تفسیر نمونه. چاپ: سی و ششم، تهران: دارالکتب اسلامیه
۲۱. منصوری، جهانگیر. (۱۳۹۵) قانون مدنی ایران. تهران: انتشارات دیدار. چاپ اول
۲۲. مینوی، زهرا (۱۳۹۳) بررسی ابعاد حقیقی ازدواج سفید، زنان امروز، شماره ۵
۲۳. نظافتی، محمدرضا، (۱۳۹۶) ازدواج موقت و ارتباط سفید، دوفصلنامه شهر قانون، شماره دوم